

Identifying and Countering Hate Speech in International Law and the Iranian Legal System

By: Kian Biglarbeigi, M.A. [✉], Ghodratollah Rahmani, Ph.D.*,
Mohammad Hamid Shahrivar, M.A.**

Abstract:

Although Freedom of expression is a fundamental human right, it must be limited in some circumstances; because absolute and unconditional freedom causes disorder, abuse of rights, and the destruction of public order. One of these limitations is the conflict between freedom of expression and hate speech. hate speech, In short refers to speech that targets individuals and groups because of characteristics such as gender, race, religion, and political affiliation. Today, with the increasing presence and use of mass media and cyberspace by a large number of people in society, their effective role in spreading hate speech should not be ignored; because these spaces have become the main platform for promoting and disseminating hatred. In this article, an attempt has been made to address this issue using library data and a descriptive-analytical method, considering the laws of Iran, which unfortunately, despite the cultural, ethnic, and linguistic diversity, have not been explicitly prohibited. Ultimately, the authors conclude that although we have numerous international and regional conventions within the framework of the international human rights system that have been ratified and enforced, these documents have not been able to have the necessary effectiveness; because their subject matter is general and there is no direct reference to these statements. Also, these general documents are not properly implemented by countries. In Iran, it is also necessary to formulate clear laws in this field; NGOs should become more targeted in combating these statements; and appropriate programs, including media literacy training, should be pursued more than before.

Keywords: *Hate Speech, Freedom Of Expression, Cyberspace, Extremist Ideas, Spreading Hatred.*

✉ Ph.D. Student in International Law, Faculty of Law and Political Science, Tehran University, Tehran, Iran
kian.biglarbeigi@gmail.com

* Associate Prof in Department of Public and International Law, Faculty of Law and Political Science, University of Allameh Tabataba'i, Tehran, Iran gh.rahmani@atu.ac.ir

** M.A. Student in Public Law, Faculty of Islamic Studies and Law, Imam Sadiq University, Tehran, Iran
mhshahrivar78@gmail.com

شناسایی و مقابله با بیان‌های تنفرآمیز در حقوق بین‌الملل و نظام حقوقی ایران

کیان بیگلربیگی[✉]، قدرت‌الله رحمانی^{*}، محمدحمید شهریور^{**}

چکیده

آزادی بیان یکی از حقوق اساسی و بنیادین بشری است، با این حال لازم است در برخی شرایط محدود شود؛ چراکه آزادی مطلق و بدون شرط، باعث بی‌نظمی، سوءاستفاده و از بین رفتن نظم عمومی می‌شود. یکی از این محدودیت‌ها، تقابل آزادی بیان با بیان‌های تنفرآمیز است. به‌طور خلاصه، منظور از بیان‌های تنفرآمیز، سخنانی است که افراد و گروه‌ها را به‌دلیل ویژگی‌هایی چون جنسیت، نژاد، مذهب و گرایش سیاسی مورد هدف قرار می‌دهند. بر این اساس، امروزه با گسترش روزافزون رسانه‌های جمعی و حضور تعداد زیادی از افراد جامعه در فضای مجازی، نباید به نقش مؤثر آنان در اشاعه بیان‌های تنفرآمیز بی‌توجه بود؛ چراکه بسیاری از این فضاها به بستر اصلی ترویج و اشاعه نفرت‌پراکنی تبدیل شده‌اند. از این‌رو در مقاله حاضر سعی شده است با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای، با روش توصیفی-تحلیلی و با تمرکز بر قوانین کشور ایران، به این موضوع پرداخته شود که متأسفانه این بیان‌ها، با وجود تنوع فرهنگی، قومی و زبانی کشور به‌صورت صریح ممنوع نشده‌اند. درنهایت، نگارندگان به این نتیجه دست یافته‌اند که ما در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل بشر، دارای کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی هستیم که تصویب و لازم‌الاجرا شده‌اند، با این حال، این اسناد نتوانسته‌اند از کارایی لازم برخوردار باشند؛ چراکه موضوع آنها کلی است و اشاره مستقیمی به این بیان‌ها نکرده‌اند، ضمن اینکه این اسناد عام نیز از سوی دیگران به‌درستی اجرا نمی‌شوند. به این ترتیب، لازم است در کشور قوانین مصرحی در این زمینه تدوین گردد و سازمان‌های مردم‌نهاد درخصوص مقابله با این بیان‌ها هدفمند شوند؛ و برنامه‌های مناسب از جمله آموزش سواد رسانه‌ای را بیش از پیش دنبال کنند.

واژگان کلیدی بیان‌های تنفرآمیز، آزادی بیان، فضای مجازی، عقاید افراطی، نفرت‌پراکنی.

✉ نویسنده مسئول: دانشجوی دکتری حقوق بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران. kian.biglarbeigi@gmail.com
* دانشیار، گروه حقوق عمومی و بین‌الملل، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران. gh.rahmani@atu.ac.ir
** دانشجوی کارشناسی ارشد حقوق عمومی، دانشکده معارف اسلامی و حقوق، دانشگاه امام صادق (علیه‌السلام)، تهران، ایران. mhshahrivar78@gmail.com

مقدمه

آزادی بیان را که یکی از حقوق مدنی و سیاسی در جوامع دموکراتیک و نظام حقوق بین‌الملل بشر است، به‌عنوان ابزاری برای برخوردارشدن از سایر حقوق بشری قلمداد می‌کنند. این حق نه‌تنها در جوامع دموکراتیک اهمیت زیادی دارد، بلکه ابتدایی‌ترین حقی است که دموکراسی، صلح، عدالت و از طریق آن، احترام به حقوق و آزادی‌های اساسی افراد ساکن در این جوامع را ممکن می‌سازد (بیچاوسکا-سینیارسکا^۱، ۲۰۱۷: ۱۰). همچنین این امکان را برای افراد فراهم می‌آورد که به ابراز عقاید و دیدگاه‌های خود بپردازند. از این رو در بسیاری از قوانین اساسی و اسناد بین‌المللی حقوق بشری مورد تضمین قرار گرفته است. با این حال و با وجود اینکه آزادی بیان منجر به رشد دموکراسی می‌شود، در برخی شرایط لازم است محدود شود (شورای اروپا^۲، ۲۰۰۷: ۷)؛ چراکه آزادی مطلق و بدون شرط، باعث بی‌نظمی، سوءاستفاده و از بین رفتن نظم عمومی می‌شود. برای نمونه، یکی از این محدودیت‌ها، تقابل آزادی بیان با بیان‌های تنفرآمیز است؛ چراکه ابراز بیان‌های تنفرآمیز، تضعیف امنیت ملی، زیر پا نهادن حقوق افراد جامعه و تضعیف دموکراسی را در پی خواهد داشت. امروزه تقابل بیان‌های تنفرآمیز با آزادی بیان، به‌ویژه از طریق رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، با حقوق مندرج در اعلامیه جهانی حقوق بشر و سایر اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای مورد بحث قرار دارد چرا که بیان‌های تنفرآمیز در نهایت، منجر به تضييع اصل برابری حقوق انسان خواهند شد. حتی می‌توان ادعا کرد، بیان‌های تنفرآمیزی که در نهایت، منجر به تحریک نسل‌زدایی می‌شوند، در کنار جنایات جنگی و جنایات صورت‌گرفته علیه بشریت، یکی از چند جنایت بین‌المللی هستند. (فایف^۳، ۲۰۱۷: ۵۴۳)

در زبان عامیانه، «بیان تنفرآمیز» به گفتمانی توهین‌آمیز اشاره دارد که گروه یا فردی را براساس ویژگی‌های ذاتی (مانند نژاد، مذهب یا جنسیت) هدف قرار می‌دهد و ممکن است صلح اجتماعی را تهدید کند (سازمان ملل متحد^۴). در تشریح این مسئله می‌توان گفت؛ جوامع از فرهنگ‌ها، قومیت‌ها، نژادها و زبان‌های متفاوتی تشکیل می‌شوند که احترام به آنها اساس دموکراسی است. همان‌گونه که می‌دانیم، حرکت‌های نژادپرستانه و ابراز عقاید افراطی بسیاری وجود دارند که محرک آنها، بیان‌های تنفرآمیزی است که امروزه به‌واسطه

1. Bychawska-Siniarska
2. Council of Europe

3. Fyfe
4. United Nations

گسترش فضاهای مجازی و توانمندی بالایی که در شکل‌دهی به افکار عمومی دارند، باعث تشدید و اشاعه بیشتر نفرت‌پراکنی‌ها شده‌اند.

در همین زمینه، در کنوانسیون‌های متعددی در سطح جهانی و منطقه‌ای، به‌گونه‌ای به منع بیان‌های تنفرآمیز اشاره شده است. از جمله مهم‌ترین ممنوعیت‌های وارد بر آزادی بیان در اسناد بین‌المللی، ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی است که در آن، به صراحت تبلیغ جنگ و ترغیب به تنفر نژادی، ملی و مذهبی منع شده است. با وجود این، ارائه نشدن تعریفی واحد از بیان‌های تنفرآمیز، واکنش متفاوت کشورها برای مقابله با آن و قواعد کلی کنوانسیون‌های بین‌المللی در این خصوص، به‌ویژه در کشورهایی همانند ایران که از تنوع فرهنگی، قومی و زبانی بسیاری برخوردارند، به این معضل دامن می‌زند. از این‌رو درچنین شرایطی، نیاز به راه‌حل‌های جامع و مانع در قوانین کشورها برای حل معضلات ناشی از بیان‌های تنفرآمیز به خوبی احساس می‌شود.

با توجه به موارد پیش‌گفته، امروزه بی‌تردید بهترین بستر برای این‌گونه اقدامات نفرت‌پراکن، فضای مجازی است که بیان‌ها به راحتی در آن گردش پیدا می‌کنند و کاربران نیز در اکثر مواقع بدون بررسی صحت و سقم آنها به سرعت همه را می‌پذیرند و به انتشارشان اقدام می‌کنند. به همین دلیل به روشنی پیداست که لازم است به شکلی دقیق و هوشمندانه، راه‌حلی برای مقابله با این بیان‌ها اندیشیده شود. به همین منظور، در مقاله حاضر سعی شده است با استفاده از داده‌های کتابخانه‌ای و با روش توصیفی-تحلیلی، به بررسی چارچوب مفهومی بیان‌های تنفرآمیز، نقش شبکه‌های اجتماعی در نفرت‌پراکنی، عواقب بیان‌های تنفرآمیز برخط^۱، عناصر بیان‌های تنفرآمیز، رویکرد اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی نسبت به بیان‌های تنفرآمیز با تمرکز بر قوانین ایران و واکنش‌های صورت گرفته در مقابل این بیان‌ها از سوی مالکان شرکت‌های شبکه‌های اجتماعی پرداخته شود و در انتها نیز راهکارهایی برای مبارزه با بیان‌های تنفرآمیز در ایران ارائه گردد.

چارچوب مفهومی

با وجود آنکه اصطلاح بیان‌های تنفرآمیز امروزه به‌صورت فزاینده‌ای مورد استفاده قرار می‌گیرد، تعریف واحدی در مورد آن (چه برخط و چه برون خط^۱)، در دست نیست؛ چراکه امروزه استفاده از واژگان رمزی نیز به‌عنوان جایگزین اهانت‌های نژادی در جوامع برخط رایج است و این امر، تعریف گفتار نفرت‌آمیز را پیچیده‌تر می‌کند. (دوارته و همکاران^۲، ۲۰۱۸: ۱۰۶)

«پدیده‌بان حقوق بشر^۳»، آن را هر شکلی از بیان که نسبت به گروه‌های نژادی، قومی، مذهبی و زنان توهین‌آمیز باشد، تعریف می‌کند (واکر^۴، ۱۹۹۴: ۸) که البته از نظر نگارندگان، تعریف جامعی محسوب نمی‌شود؛ «روندی اسمولا^۵»، بیان‌های تنفرآمیز را نوعی لفظ عمومی می‌داند که افراد را بر مبنای نژاد، قومیت، مذهب و گرایش جنسی مورد حمله قرار می‌دهد (اسمولا، ۱۹۹۱: ۲۰۷)؛ برخی از پژوهشگران دیگر نیز بیان‌های تنفرآمیز را شامل بیان‌هایی می‌دانند که براساس نژاد، قومیت، مذهب، گرایش جنسی و اولویت‌ها افراد را مورد حمله قرار می‌دهند (اسمولا، ۱۹۹۳: ۱۵۲)؛ در توصیه‌نامه شماره ۲۰ (۹۷)R مورخ ۱۹۹۷/۱۰/۳۰ کمیته وزرای شورای اروپا^۶ درباره «بیان‌های تنفرآمیز» آمده است: «همه اشکال بیانی که نفرت‌نژادی، بیگانه‌هراسی، یهودستیزی یا سایر اشکال نفرت مبتنی بر عدم تحمل را تحریک، ترویج یا توجیه می‌کنند، از جمله: عدم تحمل ابراز شده از طریق ناسیونالیسم تهاجمی و قوم‌محوری، تبعیض و خصومت علیه اقلیت‌ها، مهاجران و افراد با منشأ مهاجرت». کمیسیون اروپایی علیه نژادپرستی و عدم تحمل^۷ نیز در توصیه‌نامه سیاستی عمومی شماره ۱۵ درباره «بیان‌های تنفرآمیز» مورخ ۲۰۱۶/۱۲/۰۸ بیان می‌دارد: «استفاده از یک یا چند شکل خاص از بیان - به‌ویژه، تبلیغ، ترویج یا تحریک به تحقیر، نفرت یا بدنام‌سازی یک شخص یا گروهی از اشخاص، همچنین هرگونه آزار، توهین، کلیشه‌سازی منفی، انگ‌زنی یا تهدید علیه چنین شخص یا اشخاصی و هرگونه توجیه این اشکال بیان - که براساس فهرستی غیرجامع از ویژگی‌های شخصی یا وضعیت‌هایی است که شامل «نژاد»، رنگ، زبان، دین یا عقیده، ملیت یا منشأ ملی یا قومی، همچنین نسب، سن، ناتوانی، جنسیت، هویت جنسیتی و گرایش جنسی می‌شود». با این حال، رایج‌ترین تعریف بیان‌های تنفرآمیز، از سوی «رافائل کوهن-آلماگو^۸» ارائه شده است: «بیان‌های تنفرآمیز بیانی متعصبانه، خصمانه و مخرب‌اند که

1. Offline

2. Duarte & et al

3. Human Rights Watch

4. Walker

5. Rodney Smolla

6. Committee of Ministers

of the Council of Europe

Recommendation

7. European Commission against

Racism and Intolerance (ECRI)

8. Raphael Cohen-Almago

فرد یا گروهی از افراد را به دلیل ویژگی‌های ذاتی یا اکتسابی مورد هدف قرار می‌دهند. این بیان‌ها، نگرش تبغیض‌آمیز، تهدیدآمیز و مخاطره‌آمیز به سمت اشخاص به دلیل جنسیت، نژاد، مذهب، قومیت، رنگ پوست، ملیت، ناتوانی و جهت‌گیری جنسی آنان دارند و موجب اذیت، ارباب، پست کردن و دامن زدن به خشونت علیه آنان می‌شوند». (کوهن-آلماگو، ۲۰۱۱: ۱)

علاوه بر این، پایگاه‌های برخط نیز تعاریفی را از گفتار نفرت‌آمیز به منظور تعدیل محتوای تولید شده از سوی کاربران ارائه کرده‌اند. برای مثال، در بخش «محتوای نفرت‌افکن» راهنمای انجمن یوتیوب^۱ آمده است: «ما محتوایی را که خشونت علیه افراد یا گروه‌ها را براساس نژاد، منشأ قومی، دین، معلولیت، جنسیت، سن، ملیت، وضعیت خدمت نظامی یا گرایش جنسی/ هویت جنسیتی، اشاعه دهد یا از آن چشم‌پوشی کند و همچنین محتوایی را که هدف اصلی‌اش برانگیختن نفرت براساس این ویژگی‌های مرکزی باشد، حمایت نمی‌کنیم» (راهنماهای انجمن یوتیوب، ۲۰۱۸). همچنین شرایط استفاده از خدمات توییتر^۲ بیان می‌دارد: «این شرکت، «رفتار نفرت‌افکن» را که شامل «اشاعه خشونت یا حمله و تهدید مستقیم علیه دیگر انسان‌ها براساس نژاد، قومیت، منشأ ملی، گرایش جنسی، جنسیت، هویت جنسی، وابستگی دینی، سن، معلولیت یا بیماری» است، ممنوع و تأکید می‌کند که به حساب‌های کاربرانی که هدف اصلی‌شان وارد آوردن آسیب به دیگران، براساس این ویژگی‌هاست اجازه فعالیت نخواهد داد» (قوانین توییتر^۳، ۲۰۱۸). فیسبوک^۴ نیز گفتار نفرت‌افکن را به عنوان «محتوایی که مستقیماً به مردم براساس نژاد، قومیت، منشأ ملی، وابستگی دینی، گرایش جنسی، جنس، جنسیت یا هویت جنسی، یا معلولیت‌ها یا بیماری‌های جدی، حمله می‌کند»، تعریف کرده است. (استانداردهای انجمن فیسبوک^۵، ۲۰۱۸)

بنابراین و با توجه به مطالب یادشده می‌توان ادعان داشت که نبود تعریف یکسان از این اصطلاح باعث شده است از سویی، روش‌های قانونی و نظارتی متفاوت شود و از سوی دیگر، کشورها با توجه به ساختار جوامع خود آن را تعریف کنند و اقدامات لازم را صورت دهند. از این رو، دانش ما از دلایل، عواقب و راه‌های مؤثر مبارزه با بیان‌های تنفرآمیز برخط به دلیل ابهام در تعریف آن، تا حدودی غیرقطعی است.

1. Youtube's Community Guideline

2. Twitter Terms of Service

3. The Twitter Rules

4. Facebook

5. Facebook Community Standards

نقش شبکه‌های اجتماعی در نفرت‌پراکنی

با بررسی روند رو به افزایش اشاعه گفتارهای تنفرآمیز مشخص می‌شود که امروزه عامل اصلی آن، فضای مجازی، به‌ویژه بسترهایی همچون اینستاگرام^۱، فیس‌بوک و توییتر است که همگی باعث افزایش پرخاشگری و خشونت شده‌اند. در توضیح می‌توان گفت یکی از دلایل این امر تب لایک دریافت کردن است. لایک‌ها نوعی غرور کاذب در فرد ایجاد می‌کنند، گویی آنهایی که شما را لایک کرده‌اند، هوادار، طرفدار یا موافق سرسخت‌تان هستند. به عبارت دیگر، با ایجاد اعتماد به نفس کاذب، موجب خودشیفتگی فراوانی می‌شوند که خود می‌تواند رفتارهای پرخاشگرانه را به دنبال بیاورد (قاسم‌پور، ۱۴۰۰: ۲۰-۲۱). یکی دیگر از معضلات فضای مجازی که باعث افزایش اشاعه خشونت در این محیط‌ها می‌شود، فضای صمیمی و نبود هنجارهای اخلاقی در آن‌هاست. برای نمونه، در این محیط‌ها به همان اندازه که شخصی صمیمانه‌تر برخورد می‌کند، باید انتظار شوخی یا حرف‌های رکیک‌تر هم داشته باشد. همچنین با توجه به نبود مانعی برای اظهارنظر، ممکن است افراد به دلیل علاقه به تخریب چهره‌های معروف و یا رقابت‌های جناحی سیاسی، سعی در اشاعه گفتارهای تنفرآمیز و ایجاد محیطی پرآشوب داشته باشند. از این رو در بستر شبکه‌های اجتماعی که عاملی برای آشنایی و ارتباط‌گیری افراد با گروه‌های همفکر است نفرت‌پراکن‌ها به راحتی می‌توانند به تشکیل و بسط گروه‌های نفرت‌پراکنی اقدام کنند و نفرت را در جامعه گسترش دهند.

درنهایت، یکی دیگر از عوامل موثر در اشاعه این بیان‌ها، انبوه اطلاعات موجود در شبکه‌های اجتماعی است. کاربران به راحتی به انواع گوناگونی از اطلاعات دست پیدا می‌کنند و به‌صورت کاذب، خودشان را دانا و مسلط به همه امور فرض می‌کنند، بدون بررسی صحت داشتن یا نداشتن اطلاعات به‌دست‌آمده، آنها را صحیح می‌پندارند و گفتارهای غلط و تنفرآمیز را به راحتی اشاعه می‌دهند و فضا را بیش از پیش ملتهب می‌سازند.

1. Instagram

عواقب بیان‌های تنفرآمیز بر خط

تعیین دقیق اثر بیان‌های تنفرآمیز بر خط، چالش‌برانگیز است اما تعداد زیادی از پژوهش‌ها دلالت بر این امر دارند که بیان‌های تنفرآمیز بر خط، عواقب جدی برای افراد و گروه‌ها دارند. نظرسنجی از کاربران اینترنت نشان می‌دهد که قرار گرفتن در معرض بیان‌های تنفرآمیز بر خط می‌تواند منجر به ترس شود، به‌ویژه در جمعیت‌هایی که از نظر تاریخی به حاشیه رانده شده‌اند یا محروم مانده‌اند. همچنین می‌توان گفت، قرار گرفتن در معرض این گفتارها می‌تواند مردم را به انزوا از بحث‌های عمومی بر خط و برون‌خط سوق دهد و به مشارکت مدنی و گفتار آزاد آسیب وارد کند. در واقع داده‌های تجربی نشان می‌دهند که قرار گرفتن در معرض بیان‌های تنفرآمیز می‌تواند با بسیاری از عواقبی که هدف قرار گرفتن از طریق جرایم نفرت‌افکن به دنبال دارد، همراه باشد، عواقبی که شامل آسیب‌های روان‌شناختی و ترس‌های اشتراکی می‌شود (سیگل، ۱۴۰۰: ۵۹). در این زمینه، بسیاری استدلال کرده‌اند که ارتباط مستقیمی میان نفرت‌افکنی بر خط و جرایم نفرت‌افکنی وجود دارد و مرتکبان خشونت برون‌خط، در اغلب موارد نقشی را که اجتماعات بر خط در سوق دادن آنان به عمل بازی کرده‌اند، ذکر می‌کنند. برای مثال، در ۱۷ ژوئن ۲۰۱۵، دیلان رووف^۱ ۲۱ ساله وارد کلیسای امانوئل آفریکن متودیست اپسکوپال^۲ شد و ۹ نفر را به قتل رساند. رووف در بیانیه‌اش نوشت که وی اولین گرایش‌های نژادپرستانه‌اش را از وبسایت شورای شهروندان محافظه‌کار^۳ دریافت کرده است. (کوهن-آلماگو، ۲۰۱۸: ۶۷۲)

بنابراین روشن شده است که رسانه‌های اجتماعی می‌توانند به‌عنوان یک سازکار، عاملی برای اشاعه گفتار تنفرآمیز بر خط و همسو با آن، تحقق جرایم خشونت آمیز برون‌خط باشند.

1. Dylann Roof

2. Emanuel African Methodist Episcopal Church

3. Council of Conservative Citizens (CCC)

عناصر بیان‌های تنفرآمیز

با توجه به اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای درخصوص بیان‌های تنفرآمیز، «قصد تحریک»، «تنفر نسبت به گروه‌های ملی، نژادی و مذهبی»، «وقوع تحریک» و «نتایج ممنوع شده یا ایجاد تبعیض، دشمنی یا خشونت» را می‌توان اجزای تشکیل دهنده بیان‌های تنفرآمیز دانست و در صورتی که بیانی واجد چهار عنصر ذکر شده باشد، آن را بیان تنفرآمیز نامید. به این منظور، در ادامه به‌طور اجمالی این عناصر مورد بررسی قرار می‌گیرند.

• قصد تحریک

در اعلامیه جهانی حقوق بشر و کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی، به شرط وجود قصد اشاره‌ای نشده اما در ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۱ و کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، به عنصر قصد اشاره شده است. بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی با عبارت «هرگونه دعوت به» آغاز می‌شود. از این رو، حمایت از اعمال ممنوع شده در تعریف بیان‌های تنفرآمیز را می‌توان به‌معنای شرط قصد محسوب کرد. به عبارت دیگر، فقط اظهاراتی که با قصد تحریک تنفر صورت می‌گیرند، ممنوع است، نه تحریک‌هایی که «اتفاقی و غیرعمدی» یا «ضمنی و فرعی» و یا «به‌منظور افشای حمایت دیگران از تنفر باشد». (مندل^۲، ۲۰۰۸: ۶)

با وجود این نگارندگان لازم می‌دانند که اشاره کنند. عنصر قصد، معطوف به درک نیست گوینده در تحریک به نفرت، تبعیض یا خشونت است اما تشخیص نیت درونی همواره دشوار و در بسیاری مواقع غیرممکن است؛ چراکه اغلب بر شواهد غیرمستقیم مانند لحن، زمینه یا سابقه فرد تکیه دارد (والدرون^۳، ۲۰۱۲: ۱۰۵). از این رو، تفسیرپذیری بالایی ایجاد می‌کند و خطر برداشت‌های سلیقه‌ای و قضاوت‌های ناعادلانه را افزایش می‌دهد. همچنین، در فضای برخط، گویندگان می‌توانند با استفاده از زبان کنایه‌آمیز، طنز یا اشارات مبهم، نیت واقعی خود را پنهان کنند و از پیگرد قانونی بگریزند. در این زمینه، بنش^۴ در نظریه «گفتار خطرناک»^۵ خود تأکید می‌کند که تمرکز بیش از حد بر عنصر

۱. ماده ۲۰ بیان می‌دارد: «۱. هرگونه تبلیغ برای جنگ به‌موجب قانون ممنوع است؛ ۲. هرگونه دعوت (ترغیب) به کینه (تنفر) ملی یا نژادی یا مذهبی که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد، به‌موجب قانون ممنوع است».

2. Mendel

3. Waldron

4. Benesch

5. Dangerous Speech

قصد، ممکن است مانع پیشگیری از خشونت‌های جمعی شود؛ چراکه گفتار تنفرآمیز همواره با قصد صریح بیان نمی‌شود (بنش، ۲۰۲۳: ۱۸۶-۱۸۸). از سوی دیگر، تفسیر موسع از عنصر قصد ممکن است به محدودسازی بیش از حد آزادی بیان بینجامد، به‌ویژه در مواردی که بیان‌ها، انتقادی یا جنجال‌برانگیز اما مشروع هستند.

• تنفر نسبت به گروه‌های ملی، نژادی و مذهبی

بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی در این زمینه از گروه‌های ملی، نژادی و مذهبی نام می‌برد. بنابراین می‌توان گفت که طبق میثاق، فقط گروه‌های سه‌گانه ملی، نژادی یا مذهبی تحت حمایت قرار دارند. ماده ۴ کنوانسیون بین‌المللی امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی نیز فقط گروه‌های نژادی و قومی و گروه‌های با رنگ متفاوت را مورد حمایت قرار داده است؛ درحالی‌که کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، دامنه این ممنوعیت را به همه گروه‌های انسانی تسری داده است.

• وقوع تحریک

ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر، بند ۲ ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر و دو بخش از ماده ۴ کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی، از عنصر تحریک صحبت کرده‌اند اما دو بخش دیگر، صرف انتشار ایده خاصی را که بر مبنای برتری و نفرت نژادی است، ممنوع اعلام می‌کنند. (تیتلی، ۲۰۱۲: ۶)

از این‌رو، طبق بند الف ماده ۴ کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی، اعمال ممنوع شامل موارد: ۱. انتشار افکار مبتنی بر برتری نژادی؛ ۲. انتشار افکار مبتنی بر تنفر نژادی؛ ۳. تحریک به تبعیض نژادی؛ ۴. اعمال خشونت؛ ۵. تحریک به خشونت و ۶. کمک‌های مالی و غیرمالی به فعالیت‌های تبعیض نژادی می‌شود. در توضیح می‌توان گفت که از میان این اعمال، موارد ۱، ۲، ۳ و ۵ مربوط به بیان‌های تنفرآمیز می‌شوند، موارد ۱ و ۲ بدون عنصر تحریک و موارد ۳ و ۵ به همراه تحریک‌اند. البته معنای واژه تحریک در حقوق بین‌الملل مبهم است و با در نظر گرفتن رابطه علیت، یعنی همبستگی بین اظهارات و نتایج ممنوع و زمینه ارتکاب این عمل، می‌توان آن را شناسایی کرد. (مندل، ۲۰۱۰: ۸-۷)

با وجود این نگارندگان لازم می‌دانند اشاره کنند که با توجه به موارد پیش گفته، برای برخورد با گفتار تنفرآمیز باید اثبات شود که این گفتار واقعاً موجب نفرت، خشونت یا تبعیض شده است. اما این شرط نیز از جنبه‌های مختلف قابل نقد است. اول اینکه، لزوم تحقق نتیجه (یعنی وقوع خشونت یا نفرت‌پراکنی عملی) باعث تأخیر در مداخله قانونی می‌شود و نقش پیشگیرانه نظام حقوقی را تضعیف می‌کند؛ دوم اینکه، در عمل، رابطه علی میان گفتار و رفتار خشونت‌آمیز به‌سختی قابل اثبات است، به‌ویژه در بستر فضای مجازی که کنشگران، ناشناس، گروهی و غیریکپارچه هستند (بنش، ۲۰۲۳: ۱۸۶ و ۱۹۲) و سوم اینکه، گفتار تنفرآمیز اغلب به‌صورت تدریجی و انباشته عمل می‌کند و ممکن است در طول زمان، زمینه‌ساز خشونت و تبعیض شود؛ نه در قالب یک حادثه آنی و قابل ردیابی. در این سیاق، والدرون نیز با تأکید بر آسیب‌های اجتماعی تدریجی ناشی از گفتار تنفرآمیز، استدلال می‌کند که نباید تنها به اثر مستقیم گفتار در بروز خشونت توجه کرد، بلکه باید به آثار ماندگار آن بر کرامت انسانی و انسجام اجتماعی پرداخت. (والدرون، ۲۰۱۲: ۹۲-۸۸)

• نتایج ممنوع شده یا ایجاد تبعیض، دشمنی یا خشونت

هرچند شرط وقوع بیان‌های تنفرآمیز این است که تحریک به یکی از نتایج ممنوع صورت گیرد، لازم نیست در عمل نیز چنین نتایجی محقق شود. با وجود این، وقوع نتایج ممنوع، اثبات وجود تحریک را آسان‌تر می‌کند (تیمورسلماسی، ۱۳۹۴: ۱۹). در این زمینه، اعلامیه جهانی حقوق بشر فقط تحریک به تبعیض را مورد اشاره قرار داده است، درحالی‌که ماده ۴ کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی و بند ۲ ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی، نتایج ممنوع بیان‌های تنفرآمیز را ایجاد تبعیض، دشمنی یا خشونت دانسته‌اند. همچنین ماده ۱۳ کنوانسیون آمریکایی حقوق بشر، از محدودیت بر تحریک به خشونت یا اقدامات غیرقانونی مشابه سخن می‌گوید. بنابراین، طبق ماده ۴ کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی بر خلاف سایر اسناد بین‌المللی، اشاعه نظرهای مبتنی بر برتری نژادی یا تنفرنژادی، فارغ از اینکه همراه با تحریک به تبعیض، دشمنی یا خشونت باشد، ممنوع شده است. به عبارت دیگر، طبق این ماده، برای همه ایده‌ها براساس برتری ممنوعیت ایجاد شده است. در نظام اروپایی حقوق بشر نیز شواهدی دایر بر ممنوعیت سخنان مبتنی بر برتری

نژادی یا تنفر نژادی وجود دارد، بدون آنکه این سخنان منجر به نتایج ممنوع شود اما درمقابل بعضی از کشورها، به‌ویژه ایالات متحد آمریکا، بر این عقیده هستند که فقط تحریکی که به قصد ایجاد «خشونت قریب‌الوقوع»^۱ صورت گیرد، می‌تواند موجب محدودیت‌های آزادی بیان شود. به عبارت دیگر، این کشورها نه تنها تحریک به تبعیض و دشمنی را بیان تنفرآمیز نمی‌دانند بلکه تحریک به خشونت را نیز که احتمال وقوع آن کم یا دور باشد مشمول بیان‌های تنفرآمیز نمی‌شمرند. (تیمورسلماسی، ۹۴: ۲۰)

در حال، میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی راه میانه‌ای را انتخاب کرده است؛ از یک طرف تحریک به نتایج ممنوع را لازم می‌داند و از طرف دیگر شرط قریب‌الوقوع بودن آسیب را ذکر نکرده است» (سودمندی و مستقیمی قمی، ۱۳۹۰: ۳۶). با وجود این، دیوان اروپایی حقوق بشر معتقد است، آزادی بیان در صورتی می‌تواند محدود شود که خطر واقعی و قریب‌الوقوع باشد (دیوان اروپایی حقوق بشر^۲، ۲۰۰۶: بند ۶۸). حتی درجای دیگری بیان کرده است؛ ایده‌هایی که توهین‌آمیز و آزار دهنده باشند، در صورتیکه به خطر قریب‌الوقوع منجر نشوند، نباید ممنوع شوند. (دیوان اروپایی حقوق بشر، ۱۹۷۶: بند ۴۹)

1. Imminent Violence

2. European Court of Human Rights (ECHR)

رویکرد اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی نسبت به بیان‌های تنفرآمیز
با توجه به شناخت عناصر این بیان‌ها، حال باید مشخص گردد که در اسناد بین‌المللی، منطقه‌ای و ملی چه رویکردی اتخاذ شده است. لذا در این راستا به‌طور اجمالی به بررسی برخی اسناد پرداخته می‌شود و سپس در این سیاق، بیان‌های تنفرآمیز به‌صورت موردی در کشور ایران مورد بررسی و مذاقه قرار می‌گیرد.

• اسناد بین‌المللی

اعلامیه جهانی حقوق بشر^۱

ماده ۱ و ۲ اعلامیه جهانی حقوق بشر به برابری افراد در برخورداری از حقوق و مزایا اشاره می‌کند. از این رو، هدف نویسندگان اعلامیه از تأکید بر تساوی حیثیت ذاتی و حقوق افراد و اینکه همه دارای عقل و وجدان هستند، محکوم کردن هر گونه تفکر نژادپرستی، تفوق و برتری جویی، تحقیر و کینه‌توزی، ایجاد روح برادری، تعاون و تفاهم در میان افراد و اقوام و ملل جهان است (تیمورسلماسی، ۱۳۹۴: ۳۶). در تکمیل و تعقیب این هدف، ماده ۲ اعلامیه با صراحت بیشتر، کلیه تبعیضات ناشی از نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی، وضع اجتماعی، ثروت و امثال آن را که سبب جدایی و اختلاف در میان افراد می‌شود، محکوم می‌کند. (طباطبایی موتمنی، ۱۳۸۸: ۲۵۰)

از سوی دیگر ماده ۷ بیان می‌دارد: «همه در برابر قانون مساوی هستند و حق دارند بدون تبعیض و به‌طور مساوی از حمایت قانون برخوردار شوند. همه حق دارند در مقابل هر تبعیضی که ناقض اعلامیه حاضر باشد و علیه هر تحریکی که برای چنین تبعیضی به عمل آید، به تساوی از حمایت قانون بهره‌مند شوند». از این رو، هر چند این ماده اشاره مستقیمی به بیان‌های تنفرآمیز ندارد، می‌توان گفت، یکی از دلایل ممنوعیت این سخنان، ایجاد تبعیض میان انسان‌ها است و به عبارت دیگر، تبعیض، نتیجه مستقیم به‌کارگیری بیان‌های تنفرآمیز است. به همین دلیل چنین سخنانی با ماده ۷ اعلامیه جهانی حقوق بشر همخوانی ندارد. حقوق‌دانان نیز با استناد به همین تحلیل، ماده ۷ اعلامیه را در کنار سایر اسناد بین‌المللی منع‌کننده بیان‌های تنفرآمیز دانسته‌اند (مندل، ۲۰۰۸: ۵-۶). علاوه بر این، ماده ۱۸ اعلامیه در خصوص حق آزادی فکر، وجدان و مذهب تدوین شده و طبق آن هر کسی می‌تواند آزادانه مذهب یا عقیده خود را ابراز کند.

۱. این سند در نظام حقوق بین‌الملل جزء اسناد حقوق نرم (Soft Law) محسوب می‌شود. البته باید اشاره داشت، برخی از مفاد اعلامیه جهانی حقوق بشر که در سال ۱۹۴۸ توسط مجمع عمومی سازمان ملل متحد به تصویب رسید، امروزه به جایگاه حقوق بین‌الملل عرفی دست یافته است.

درنهایت، از مفاد اعلامیه می‌توان نتیجه گرفت، از یک سو، این اعلامیه به‌صورت صریح، به بیان‌های تنفرآمیز نپرداخته است اما با وضع موادی به‌صورت ضمنی، به ممنوعیت تجاوز به حقوق دیگران که به واسطه بیان‌های تنفرآمیز خدشه‌دار می‌شود، اشاره کرده است و از سوی دیگر، از آنجاکه این اعلامیه از نظر حقوق معاهداتی، غیرالزام‌آور است، حق آزادی بیان در میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی بار دیگر تصریح شده است. با وجود این، اعلامیه جهانی حقوق بشر به‌عنوان نقطه شروعی برای تمام تفکرات معاصر درخصوص بیان‌های تنفرآمیز در نظر گرفته می‌شود که بیشتر هنجارهای آن، امروزه به‌عنوان هنجارهای الزام‌آور حقوق بشر به‌شمار می‌روند و باید به این نکته اشاره کرد که هرچند اعلامیه ضمانت اجرای قوی ندارد، می‌تواند به‌عنوان خط مشی مورد توجه کشورها قرار بگیرد. (تیمورسلماسی، ۱۳۹۴: ۳۸)

کنوانسیون منع و مجازات جرم نسل‌زدایی^۱

ماده ۳ این کنوانسیون، به تحریک مستقیم و عمومی به ارتکاب نسل‌زدایی اشاره دارد و آن را در کنار جنایات جنگی و جنایات علیه بشریت، یکی از چند جنایت بین‌المللی می‌داند. از این رو، در تحلیل این کنوانسیون می‌توان به نکاتی اشاره کرد، از جمله اینکه به ناچار باید بین بیان‌هایی که به‌دنبال القای نفرت‌نژادی، مذهبی و ملی هستند و با عنوان بیان‌های تنفرآمیز شناخته می‌شوند، با آنچه در کنوانسیون تحت عنوان تحریک مستقیم و عمومی به ارتکاب نسل‌زدایی آمده است، تمایز قائل شویم؛ زیرا تحریک به نسل‌زدایی در سطح جهان، صرف‌نظر از اینکه در قوانین داخلی به چه صورت تعریف شود، نوعی جنایت جنگی به شمار می‌رود. در مقابل، قواعد و مقررات مقرر در اسناد بین‌المللی و منطقه‌ای درخصوص بیان‌های تنفرآمیز، اعلام‌کننده تعهداتی در سطح ملی به دولت‌ها هستند که آنها در رد یا پذیرش آن آزادند. حتی در این زمینه می‌توان گفت که دولت‌ها قادرند برای قوانین مرتبط با بیان‌های تنفرآمیز مندرج در این اسناد، حق شرط قائل شوند (اورنتلیشر^۲، ۲۰۰۵: ۵۶۹). با این حال شایان ذکر است که دولت‌ها مطابق مواد ۲۷ کنوانسیون وین ۱۹۶۹ حقوق معاهدات^۳ و ۳۲ پیشنهادی مواد راجع به مسئولیت دولت‌ها برای افعال

۱. قانون اجازه الحاق دولت ایران به این کنوانسیون در جلسه پنجاه و سی و یکم آذر ماه یک هزار و سیصد و سی و چهار به تصویب مجلس شورای ملی رسید و از تاریخ بیست و سوم مرداد یک هزار و سیصد و سی و پنج برای ایران لازم‌الاجرا شده است.

2. Orentlicher

۳. ماده ۲۷ (حقوق داخلی و رعایت معاهدات): یک طرف معاهده نمی‌تواند به حقوق داخلی خود به‌عنوان توجیهی برای تصور در اجرای معاهده استناد نماید.

متخلفانه بین‌المللی ۲۰۰۱^۱، نمی‌توانند به قوانین داخلی خود استناد کنند و از منظر حقوق بین‌الملل دارای مسئولیت بین‌المللی خواهند بود، همچنین مطابق بند ج ماده ۱۹ کنوانسیون حقوق معاهدات، چنانچه حق شرط با هدف و موضوع معاهده مغایرت داشته باشد، حق شرط صحیح و مجاز نخواهد بود؛ از این رو، اگر چنین بیان‌هایی از منظر حقوق بین‌الملل عرفی لازم‌الاجرا باشند، اعمال چنین شرط‌هایی مردود خواهد بود.

میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی^۲

ماده ۲ این میثاق، به تعلق حقوق برابر به افراد، بدون تمایز از هر حیث و ماده ۳ به تساوی حقوق زن و مرد اشاره کرده است. از این رو این دو ماده اشاره غیرمستقیمی به ممنوعیت بیان‌های تنفرآمیز دارند. همچنین ماده ۲۰ میثاق، به ممنوعیت تبلیغ برای جنگ اشاره دارد و در بند ۲ هرگونه ترغیب به تنفر ملی، نژادی یا مذهبی را که محرک تبعیض یا مخاصمه یا اعمال زور باشد به موجب قانون ممنوع می‌داند. علاوه براین، ماده ۲۷ میثاق بیان می‌دارد، در کشورهایی که اقلیت‌های نژادی، مذهبی یا زبانی وجود دارند، اشخاص متعلق به اقلیت‌های پیش‌گفته را نمی‌توان از تمتع از فرهنگ خود یا اتکا به دین و تکلم به زبان خود محروم کرد. بنابراین، این ماده از حقوق اقلیت‌ها حمایت می‌کند و مشابه حمایتی است که سایر اسناد از اقلیت‌های ضعیف در مقابل اظهارات تنفرآمیز به‌عمل می‌آورند.

کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی^۳

کنوانسیون امحای کلیه اشکال تبعیض نژادی را به‌گونه‌ای می‌توان اولین معاهده بین‌المللی در ارتباط با مسئله بیان‌های تنفرآمیز دانست که در سال ۱۹۶۵ از سوی مجمع عمومی سازمان ملل متحد تصویب شده است. ماده ۴ و ۵ این کنوانسیون مقرر می‌دارند؛ دول متعاهد، هرگونه تبلیغات و تشکیلاتی را که از افکار و نظریه‌های مبتنی بر تفوق یک نژاد و یا گروهی از اشخاصی که رنگ یا منشأ قومی معین دارند، الهام بگیرد و یا هر نوع تنفر و تبعیض

۱. ماده ۳۲ (عدم امکان استناد به حقوق داخلی): دولت مسئول نمی‌تواند برای توجیه قصور در عدم رعایت تعهداتش به موجب این بخش به مقررات داخلی خویش استناد کند.

۲. قانون اجازه الحاق دولت شاهنشاهی ایران به میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی پس از تصویب مجلس شورای ملی در جلسه روز سه‌شنبه ۲۳ آبان ماه ۱۳۵۱ در جلسه روز چهارشنبه هفدهم اردیبهشت ماه یک هزار و سیصد و پنجاه و چهار شمسی به تصویب مجلس سنا رسید و از تاریخ سوم تیر ۱۳۵۴ برای ایران لازم‌الاجرا شده است.

۳. مصوب ۱۳۴۷/۰۴/۳۰ مجلس شورای ملی ایران است و از تاریخ هفتم شهریور ۱۳۴۷ برای ایران لازم‌الاجرا شده است.

نژادی را توصیه یا تشویق کند، تقبیح می‌کنند و متعهد می‌شوند که به‌منظور ریشه‌کن ساختن چنین تحریکات یا تبعیضاتی یا به‌طور کلی، محو هر قسم تبعیض نژادی، به سرعت تدابیر لازم را اتخاذ کنند و در این راه، اصول اعلامیه جهانی حقوق بشر و نیز حقوقی را که در ماده ۵ این کنوانسیون تصریح شده است، مورد توجه قرار دهند. از این‌رو دول یادشده به‌ویژه متعهد می‌شوند که نشر هر نوع افکار مبتنی بر تفوق یا نفرت‌نژادی و تحریک به تبعیض نژادی، همچنین اعمال زور یا تحریک به زور علیه هر نژاد یا هر گروه را که از حیث رنگ و قومیت متفاوت باشند، مانند بذل هر نوع مساعدت از جمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیض نژادی را به لحاظ قانونی از جرائم قابل مجازات اعلام کنند و فعالیت‌های تبلیغاتی متشکل یا هر قسم فعالیت سازمانی دیگر را که محرک تبلیغات نژادی باشد یا آن را تشویق کند از جرائم قابل مجازات بدانند و به مقامات مسئول یا مؤسسات عمومی مملکتی یا محلی اجازه ندهند که تبعیضات نژادی را ترغیب یا تشویق کنند. دول عضو همچنین متعهد می‌شوند که تبعیضات نژادی را به هر شکل و صورتیکه باشد، ممنوع و ریشه‌کن سازند و حق هر فرد را به مساوات در برابر قانون به‌ویژه در تمتع از حقوق، بدون تمایز از لحاظ نژاد، رنگ، ملیت یا قومیت تضمین کنند.

بنابراین، بررسی مواد ۴ و ۵ این کنوانسیون نشان می‌دهد که این کنوانسیون خواستار ممنوعیت برای مقامات یا مؤسساتی است که مروج یا محرک تبعیض نژادی هستند. تأکید روی مقامات و مؤسسات در این مواد، نشان‌دهنده این موضوع است که باید به نقش رسانه‌ها توجه کرد و رسانه‌ها را در این خصوص واجد مسئولیت دانست. (تیمورسلماسی، ۱۳۹۴: ۵۴)

اعلامیه امحای کلیه اشکال نابردباری و تبعیض مذهبی^۱

در این اعلامیه به‌طور صریح از موضوع بیان‌های تنفرآمیز صحبتی به میان نیامده است، اما در مقدمه و همچنین در بسیاری از مواد اعلامیه، به‌ویژه مواد ۱، ۲، ۳، ۴ و ۷ به‌طور غیرمستقیم به بیان‌های تنفرآمیز و ممنوعیت این نوع اعمال اشاره شده است. در توضیح می‌توان گفت که هم در مقدمه اعلامیه و هم در ماده ۳، بی‌حرمتی به حیثیت انسانی و نقض حقوق بشر و آزادی‌های اساسی اعلان شده در اعلامیه جهانی حقوق بشر و میثاقین، مانعی برای دوستی

۱. این سند در نظام حقوق بین‌الملل جزء اسناد حقوق نرم محسوب می‌شود.

و روابط صلح‌آمیز در میان ملت‌ها به‌شمار می‌رود. بنابراین، بر این مبنا می‌توان اظهار داشت که بیان‌های تنفرآمیز عاملی برای نقض حیثیت و حقوق اساسی بشر و همان‌گونه که در مقدمه اعلامیه ذکر شده است، عاملی برای برافروخته شدن کینه و نفرت در میان مردمان و ملت‌هاست و به نوعی، روابط دوستانه و صلح‌آمیز میان افراد و ملت‌ها را خدشه‌دار می‌سازد. از این رو، این قبیل اعمال ممنوع‌اند و کشورها باید برای مقابله با این اقدامات و نقض هنجارها، تمام اقدامات لازم را در چارچوب نظام حقوقیشان، مطابق با مقررات هنجاری حقوق بشر انجام دهند. (تیمورسلماسی، ۱۳۹۴: ۴۰)

اسناد منطقه‌ای

کنوانسیون اروپایی حقوق بشر

در ماده ۱۴ این کنوانسیون با عنوان «ممنوعیت تبعیض» آمده است: «بهره‌مندی از حقوق و آزادی‌های مطرح‌شده در این کنوانسیون باید بدون تبعیض براساس جنسیت، نژاد، رنگ، زبان، مذهب، عقیده سیاسی یا سایر عقاید، منشأ ملی یا اجتماعی، وابستگی به اقلیت ملی، دارایی، تولد یا هر وضعیت دیگری تضمین شود». از این رو برای نمونه، به‌منظور بهره‌مندی از حقوق مندرج در ماده ۱۰ کنوانسیون^۱، یعنی آزادی بیان، شروط ماده ۱۴ باید محقق گردد که درواقع به‌طور غیرمستقیم به بیان‌های تنفرآمیز اشاره دارد.

کنوانسیون امریکایی حقوق بشر

بند ۵ ماده ۱۳ کنوانسیون امریکایی حقوق بشر، مشابه ماده ۲۰ میثاق حقوق مدنی و سیاسی، هرگونه تبلیغ برای جنگ و یا هرگونه ترغیب به تنفر ملی، نژادی یا مذهبی را که محرک خشونت غیرقانونی یا هر اقدام مشابه دیگر علیه هر فرد یا گروهی از افراد در هر زمینه‌ای از جمله نژاد، رنگ، مذهب و یا ملیت باشد، به‌عنوان جرم قابل مجازات به‌وسیله قانون تلقی می‌کند.

۱. ماده ۱۰ (آزادی بیان) کنوانسیون مقرر می‌دارد: «۱. هر فرد حق آزادی بیان دارد. این حق شامل آزادی در داشتن عقاید و دریافت و انتقال اطلاعات و ایده‌ها بدون دخالت مقامات عمومی و بدون در نظر گرفتن مرزها می‌باشد. این ماده مانع از آن نمی‌شود که دولت‌ها برای فعالیت‌های پخش، تلویزیون یا سینما مجوز درخواست کنند؛ ۲. اعمال این آزادی‌ها، به‌دلیل همراه داشتن وظایف و مسئولیت‌ها، می‌تواند مشمول تشریفات، شرایط، محدودیت‌ها یا مجازات‌هایی باشد که طبق قانون مقرر شده‌اند و در یک جامعه دموکراتیک برای حفظ امنیت ملی، تمامیت ارضی یا امنیت عمومی، جلوگیری از بی‌نظمی یا جرم، حفاظت از سلامت یا اخلاق عمومی، حفظ شهرت یا حقوق دیگران، جلوگیری از افشای اطلاعات محرمانه، یا حفظ اقتدار و بی‌طرفی دستگاه قضایی ضروری هستند».

اعلامیه کشورهای اسلامی درباره حقوق بشر

در ماده ۲۲ این اعلامیه ذکر شده است؛ هر انسانی حق دارد که نظر خود را به هر شکلی که مغایر با اصول شرعی نباشد، آزادانه بیان کند؛ هر انسانی حق دارد برای خیر و نهی از منکر، طبق ضوابط شریعت اسلام دعوت کند؛ تبلیغات یک ضرورت حیاتی برای جامعه است و سوءاستفاده و سوءاستعمال آن و حمله به مقدسات و کرامت انبیا یا بکارگیری هر چیزی که منجر به ایجاد اختلال در ارزش‌ها یا متشتت شدن جامعه یا زیان یا متلاشی شدن اعتقاد شود، ممنوع است؛ برانگیختن احساسات قومی یا مذهبی و یا هر چیزی که منجر به برانگیختن هر نوع حس تبعیض نژادی گردد، جایز نیست. بنابراین، مشاهده می‌شود که در ماده ۲۲ این اعلامیه به گونه‌ای، به ممنوعیت بیان‌های تنفرآمیز قومی، مذهبی و نژادی اشاره شده است.

• اسناد ملی

کانادا

در کانادا، ترغیب یا ترویج نسل‌زدایی، از جرم‌های قابل مجازات براساس قانون کیفری^۱ است. در بخش ۳۱۸ این قانون آمده است: «(۱) هر شخصی که به نسل‌زدایی ترغیب یا آن را ترویج کند، مرتکب جرم قابل تعقیب شده و به مجازات حبس به مدت حداکثر پنج سال محکوم می‌شود؛ (۲) در این بخش، نسل‌زدایی به معنای هر یک از اعمال زیر است که با قصد نابودی کامل یا جزئی هر گروه قابل شناسایی، صورت می‌گیرد: (الف) کشتن اعضای گروه؛ (ب) تحمیل عمدی شرایط زندگی به گروه به گونه‌ای که منجر به نابودی فیزیکی آن شود؛ (۳) آغاز هرگونه دادرسی برای جرمی تحت این بخش، تنها با رضایت دادستان کل ممکن است؛ (۴) در این بخش، گروه قابل شناسایی، به هر بخشی از عموم مردم گفته می‌شود که با ویژگی‌هایی مانند رنگ، نژاد، دین، منشأ ملی یا قومی، سن، جنسیت، گرایش جنسی، هویت یا بیان جنسیتی یا ناتوانی ذهنی یا جسمی متمایز می‌شوند.

همچنین در قانون کیفری به‌طور خاص، تحریک نفرت‌پراکنی عمومی^۲ جرم‌انگاری شده است و مجازات‌هایی برای آن تعیین کرده‌اند. بخش ۳۱۹ این قانون در این خصوص مقرر می‌دارد: «(۱) هرکسی که با انتقال اظهارات در هر

1. Criminal Code

2. Public Incitement of Hatred

مکان عمومی، به نفرت پراکنی علیه هر گروه قابل شناسایی پردازد، در صورتیکه این تحریک، منجر به نقض صلح شود، مرتکب یکی از جرایم زیر شده است: (الف) جرم قابل تعقیب که مجازات آن حبس به مدت حداکثر دو سال است؛ یا (ب) جرمی که می‌تواند به صورت خفیف محاکمه و مجازات^۱ شود؛ (۲) هر کسی که با انتقال اظهارات، به جز در مکالمات خصوصی، به طور عمدی به ترویج نفرت علیه هر گروه قابل شناسایی پردازد، مرتکب یکی از جرایم زیر شده است: (الف) جرم قابل تعقیب که مجازات آن حبس به مدت حداکثر دو سال است؛ یا (ب) جرمی که می‌تواند به صورت خفیف، محاکمه و مجازات شود؛ (۲،۱) هر کسی که با انتقال اظهارات، به جز در مکالمات خصوصی، به طور عمدی با تأیید، انکار یا کم اهمیت جلوه دادن هولوکاست، به ترویج یهودستیزی پردازد: (الف) مرتکب جرم قابل تعقیب شده است و به مجازات حبس به مدت حداکثر دو سال محکوم می‌شود؛ یا (ب) مرتکب جرمی شده است که می‌تواند به صورت خفیف محاکمه و مجازات شود؛ (۳) هیچ شخصی به جرم‌های پیش گفته در بند (۲) محکوم نخواهد شد در صورتیکه: (الف) ثابت کند که اظهارات منتقل شده صحیح بوده‌اند؛ (ب) با حسن نیت، تلاش کرده باشد که از طریق استدلال، نظر خود را درباره موضوعی مذهبی یا مبتنی بر یک متن دینی ابراز کند؛ (ج) اظهارات مرتبط با موضوعی از منافع عمومی بوده‌اند که بحث در مورد آن برای منفعت عمومی بوده و وی براساس دلایل منطقی آنها را صحیح می‌دانسته است؛ یا (د) با حسن نیت قصد داشته باشد به منظور حذف مواردی که موجب تمایل به ایجاد احساسات نفرت‌آمیز نسبت به گروهی قابل شناسایی در کانادا می‌شوند، به آنها اشاره کند؛ (۳،۱) هیچ شخصی به جرم‌های پیش گفته در بند (۲،۱) محکوم نخواهد شد در صورتیکه: (الف) ثابت کند که اظهارات منتقل شده صحیح بوده‌اند؛ (ب) با حسن نیت، تلاش کرده باشد که از طریق استدلال نظر خود را درباره موضوعی مذهبی یا مبتنی بر یک متن دینی ابراز کند؛ (ج) اظهارات مرتبط با موضوعی از منافع عمومی بوده‌اند که بحث در مورد آن برای منفعت عمومی بوده و وی براساس دلایل منطقی آنها را صحیح می‌دانسته است؛ یا (د) با حسن نیت قصد داشته باشد به منظور حذف مواردی که موجب تمایل به ایجاد احساسات یهودستیزانه نسبت به یهودیان می‌شوند، به آنها اشاره کند؛ (۴) در صورتیکه فردی به جرم‌های پیش گفته در بند (۱)، (۲) یا

1. Summary Conviction

(۲،۱) یا ماده ۳۱۸ محکوم شود، هر چیزی که با آن یا در رابطه با آن جرم مرتکب شده باشد، علاوه بر سایر مجازات‌های اعمال شده، ممکن است به دستور قاضی دادگاه استانی به نفع ملکه در حق استان محل محکومیت، برای انهدام یا بهره‌برداری به تشخیص دادستان کل، صادره شود؛ (۵) بندهای ۱۹۹ (۶) و (۷) با هرگونه اصلاحاتی که شرایط اقتضا کند، برای بندهای (۱)، (۲) یا (۲،۱) یا ماده ۳۱۸ اعمال می‌شوند؛ (۶) هیچ دادرسی برای جرایم پیش‌گفته در بند (۲) یا (۲،۱) بدون رضایت دادستان کل آغاز نخواهد شد؛ (۷) در این بخش: ارتباط^۱ شامل ارتباط از طریق تلفن، پخش یا سایر روش‌های صوتی یا تصویری است. هولوکاست^۲ به معنای آزار و نابودی عمدی و برنامه‌ریزی شده یهودیان اروپا از سوی نازی‌ها و همکاران آنها از سال ۱۹۳۳ تا ۱۹۴۵ است. گروه قابل شناسایی^۳ همان معنایی را دارد که در ماده ۳۱۸ آمده است. مکان عمومی^۴ نیز شامل هر مکانی می‌شود که عموم مردم به حق یا با دعوت صریح یا ضمنی به آن دسترسی دارند. اظهارات^۵ شامل کلمات گفته‌شده، نوشته‌شده یا ضبط‌شده به صورت الکترونیکی، الکترومغناطیسی یا به هر شکل دیگر و همچنین حرکات، علائم یا سایر نمایش‌های دیداری است».

چین

ماده ۲۴۹ قانون کیفری^۶ چین بیان می‌دارد: «هرکس که به نفرت‌پراکنی^۷ قومی یا تبعیض دامن بزند، در صورتیکه شرایط جدی باشد، به حبس تعزیری به مدت حداکثر ۳ سال، بازداشت کوتاه‌مدت، اصلاح غیرحبسی یا محرومیت از حقوق سیاسی محکوم خواهد شد. اگر شرایط به‌طور ویژه جدی باشد، مرتکب به حبس تعزیری به مدت حداقل ۳ سال و حداکثر ۱۰ سال محکوم خواهد شد».

هلند

در ماده ۱۳۷ (ج) قانون کیفری^۸ هلند آمده است: «۱. هر شخصی که به‌صورت عمومی، چه به‌صورت شفاهی و چه کتبی یا از طریق تصاویر، به عمد اظهارات توهین‌آمیزی^۹ درباره گروهی از افراد به‌دلیل نژاد، مذهب یا باورهای آنها، گرایش‌های دگرجنس‌گرایانه یا همجنس‌گرایانه آنها یا ناتوانی‌های جسمی، ذهنی یا فکری‌شان بیان کند، به مجازات حبس تا یک سال یا جریمه نقدی از دسته سوم محکوم خواهد شد؛ ۲. اگر این جرم توسط فردی که آن را

1. Communicating

2. Holocaust

3. Identifiable Group

4. Public Place

5. Statements

6. Criminal Law

7. Incites

8. Criminal Law

9. Insulting Statement

به حرفه یا عادت خود تبدیل کرده است یا توسط دو یا چند نفر به صورت مشترک انجام شود، مجازات حبس تا دو سال یا جریمه نقدی از دسته چهارم اعمال خواهد شد». همچنین ماده ۱۳۷ (د) این قانون مقرر می‌دارد: «۱. هر شخصی که به صورت عمومی، چه به صورت شفاهی و چه کتبی یا از طریق تصاویر، دیگران را به نفرت پراکنی یا تبعیض^۱ علیه افراد و یا اعمال خشونت علیه اشخاص یا اموال آنها به دلیل نژاد، مذهب یا باورهایشان، جنسیت و گرایش‌های دگرجنس‌گرایانه یا همجنس‌گرایانه آنها یا ناتوانی‌های جسمی، ذهنی یا فکری‌شان تحریک کند، به مجازات حبس تا یک سال یا جریمه نقدی از دسته سوم محکوم خواهد شد؛^۲ اگر این جرم توسط فردی که آن را به حرفه یا عادت خود تبدیل کرده است یا توسط دو یا چند نفر به صورت مشترک انجام شود، مجازات حبس تا دو سال یا جریمه نقدی از دسته چهارم اعمال خواهد شد».

روسیه

ماده ۲۸۲ قانون کیفری^۲ تحت عنوان «تحریک به نفرت یا دشمنی و همچنین تحقیر کرامت انسانی»^۳ بیان می‌دارد: «۱. اعمالی که با هدف تحریک به نفرت یا دشمنی و همچنین تحقیر کرامت یک شخص یا گروهی از افراد، براساس جنسیت، نژاد، ملیت، زبان، اصالت، نگرش به دین و همچنین وابستگی به هر گروه اجتماعی انجام شود، در صورتیکه به صورت عمومی یا با استفاده از رسانه‌های جمعی صورت گرفته باشد، با یکی از مجازات‌های زیر روبه‌رو خواهد شد: جریمه نقدی بین ۱۰۰ هزار تا ۳۰۰ هزار روبل یا به میزان دستمزد/حقوق یا هرگونه درآمد دیگر، محرومیت از حق تصدی برخی مناصب یا اشتغال به فعالیت‌های خاص برای مدت حداکثر سه سال؛ کار اجباری به مدت حداکثر ۳۶۰ ساعت؛ یا کار اصلاحی به مدت حداکثر یک سال؛ کار اجباری به مدت حداکثر دو سال یا حبس به مدت حداکثر دو سال؛^۲ همین اعمال در صورت ارتکاب به یکی از روش‌های زیر: الف) استفاده از خشونت یا تهدید ب) استفاده از موقعیت رسمی خود یا ج) از سوی گروهی سازمان‌یافته؛ با یکی از مجازات‌های زیر مواجه خواهد شد: جریمه نقدی بین ۱۰۰ تا ۵۰۰ هزار روبل یا به میزان

1. Incites Hatred or Discrimination

2. Criminal Code

3. Incitement of Hatred or Enmity, as Well as Abasement of Human Dignity

دستمزد/حقوق یا هرگونه درآمد دیگر محکوم علیه برای مدت یک تا سه سال؛ محرومیت از حق تصدی برخی مناصب یا اشتغال به فعالیت‌های خاص برای مدت حداکثر پنج سال؛ کار اجباری به مدت حداکثر ۴۸۰ ساعت؛ کار اصلاحی به مدت یک تا دو سال؛ کار اجباری به مدت حداکثر پنج سال یا حبس به مدت حداکثر پنج سال».

دانمارک

در ماده ۲۶۶ (ب) قانون مجازات دانمارک^۱ آمده است: «هرکس که به صورت عمومی یا با قصد انتشار در میان جمع گسترده‌تری، بیانیه یا ارتباط دیگری ارائه دهد که در آن گروهی از افراد به دلیل نژاد، رنگ پوست، منشأ ملی یا قومی، باورها، یا ناتوانی‌های جسمی، گرایش جنسی، هویت جنسیتی، بیان جنسیتی یا ویژگی‌های جنسی، تهدید، توهین یا تحقیر شوند، به جرمه نقدی یا حبس تا ۲ سال محکوم می‌شود. بند ۲. هنگام تعیین مجازات، این موضوع باید به عنوان یک شرط ویژه در نظر گرفته شود که عمل انجام شده ماهیت فعالیت‌های تبلیغاتی^۲ را داشته باشد».

بیان‌های تنفرآمیز در قوانین ایران

در این بخش، برای تشخیص جایگاه بیان‌های تنفرآمیز در نظام حقوقی ایران، قانون اساسی، مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی، قوانین عادی و منشور حقوق شهروندی مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

• قانون اساسی

قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران طیف وسیعی از آزادی‌های بنیادین و حقوق بشر را تضمین می‌کند. اصل ۱۴ بیان می‌کند؛ دولت جمهوری اسلامی ایران و مسلمانان موظفند نسبت به افراد غیرمسلمان، با اخلاق حسنه و قسط و عدل اسلامی عمل نمایند و حقوق انسانی آنان را رعایت کنند. لذا این اصل به طور ضمنی، به بیان‌های تنفرآمیز اشاره دارد. همچنین اصول ۱۹ و ۲۰ قانون اساسی مقرر می‌دارند که مردم ایران، از هر قوم و قبیله‌ای که باشند از حقوق برابر و مساوی برخوردارند و رنگ، نژاد، زبان و مانند اینها، سبب امتیاز نخواهد

1. Criminal Code, Section 266 b

2. Propagandistic Nature

بود. همه افراد ملت اعم از زن و مرد به‌طور یکسان در حمایت قانون قرار دارند و از همه حقوق انسانی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، با رعایت موازین اسلام برخوردارند؛ اصل ۲۴ اشعار می‌دارد که نشریات و مطبوعات در بیان مطالب آزادند، مگر آنکه مخل مبانی اسلام و یا حقوق عمومی باشد، تفصیل آن را قانون معین می‌کند؛ بخشی از اصل ۱۷۵ نیز اظهار می‌کند که در صداوسیما جمهوری اسلامی ایران، آزادی بیان و نشر افکار با رعایت موازین اسلامی و مصالح کشور باید تأمین گردد.

بنابراین در مجموع می‌توان گفت که در قانون اساسی به‌صورت کلی، به منع تبعیض بین گروه‌ها و اقلیت‌های جامعه اشاره شده است و اصلی که به صراحت به منع بیان‌های تنفرآمیز بپردازد، وجود ندارد.

• قوانین عادی

قانون مطبوعات

درخصوص قوانین عادی می‌توان گفت ماده ۲۷ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۰۹/۱۱، اولین سندی بود که در آن، قانونگذار به جرم بیان‌های تنفرآمیز پرداخته بود.^۱ در ماده ۲۷ این سند مقرر شده بود که هرکس به‌وسیله مطبوعات به اقلیت‌های مذهبی مصرح در قانون اساسی یا نژادی ساکن ایران برای تولید نفاق و اختلاف یا بغض و کینه میان سکنه مملکت اهانت نماید و یا آنان را به ایجاد دشمنی و نفاق نژادی یا مذهبی تحریص کند، به یک ماه تا شش ماه حبس تأدیبی و یا پرداخت پانصد تا پنج هزار ریال غرامت محکوم خواهد شد. با وجود این، در ادامه، به قوانین جاری پرداخته می‌شود.

ماده ۳ قانون مطبوعات مصوب ۱۳۶۴/۱۲/۲۲ مجلس شورای اسلامی که هم‌اکنون قانون حاکم و جاری در حوزه مطبوعات است؛ مقرر می‌دارد که مطبوعات حق دارند نظرها، انتقادهای سازنده، پیشنهادهای و توضیحات مردم و مسئولان را با رعایت موازین اسلامی و مصالح جامعه درج کنند و به اطلاع عموم برسانند. انتقاد سازنده، مشروط به دارا بودن منطق و استدلال و پرهیز از توهین، تحقیر و تخریب است. بنابراین می‌توان گفت که ممنوعیت بیان‌های تنفرآمیز در ماده ۳ به‌طور غیرمستقیم مورد شناسایی قرار گرفته است. با این حال، عمده محدودیت‌های بنیادین در نظام حقوقی ایران، در ماده ۶ قانون مطبوعات آمده است.

۱. همچنین در ماده ۲۶ لایحه قانونی مطبوعات مصوب ۱۳۳۱/۱۱/۱۵ نیز بدان اشاره شده بود.

بند ۱ ماده ۶، نشر مطالب الحادی و مخالف موازین اسلامی و ترویج مطالبی که به اساس جمهوری اسلامی لطمه وارد کند را ممنوع می‌داند؛ بند ۴ ماده ۶، نیز ایجاد اختلاف میان اقشار جامعه را به‌ویژه با طرح مسائل نژادی و قومی جرم‌انگاری کرده است؛ بند ۵ ماده ۶، تحریص و تشویق افراد و گروه‌ها را به ارتکاب اعمالی علیه امنیت، حیثیت و منافع جمهوری اسلامی ایران در داخل و خارج کشور ممنوع می‌داند. بنابراین می‌توان گفت که از یک سو، بکارگیری بیان‌های تنفرآمیز از مصادیق اعمالی است که می‌تواند منجر به تهدید امنیت یک کشور شود و از سوی دیگر، این بند شامل اعمال ارتكابی در خارج از کشور نیز می‌شود؛ بند ۷ ماده ۶، اهانت به دین مبین اسلام و مقدسات آن، همچنین اهانت به رهبری و مراجع مسلم تقلید را جرم‌انگاری کرده است؛ بند ۸ ماده ۶، افترا به مقامات، نهادها، ارگان‌ها و هریک از افراد کشور و توهین به اشخاص حقیقی و حقوقی را که حرمت شرعی دارند، اگر چه از طریق انتشار عکس یا کاریکاتور باشد ممنوع اعلام کرده است.

همچنین ماده ۳۰ این قانون، درخصوص هتک حرمت است که به نوعی، با ممنوعیت بیان‌های تنفرآمیز ارتباط دارد. بر مبنای آن، انتشار هر نوع مطلب مشتمل بر تهمت یا افترا، دشنام و الفاظ رکیک یا توهین و نظایر آن نسبت به اشخاص ممنوع است و مدیرمسئول برای مجازات، به محاکم قضایی معرفی می‌شود. تعقیب جرایم پیش‌گفته، موکول به شکایت شاکی خصوصی است و در صورت استرداد شکایت، تعقیب در هر مرحله‌ای که باشد، متوقف خواهد شد.

قانون مجازات اسلامی

درخصوص مواد مقرر در قانون مجازات اسلامی می‌توان گفت: ماده ۴۹۹ مکرر (الحاقی سال ۱۳۹۹) مقرر می‌دارد که هرکس با قصد ایجاد خشونت یا تنش در جامعه و یا با علم به وقوع آن، به قومیت‌های ایرانی یا ادیان الهی و مذاهب اسلامی مصرح در قانون اساسی توهین نماید، چنانچه مشمول حد نباشد و منجر به خشونت یا تنش شده باشد، به حبس و جزای نقدی درجه پنج یا یکی از آن دو، محکوم و در غیر این صورت، به حبس و جزای نقدی درجه شش یا یکی از آن دو محکوم می‌شود. بنابراین، هرچند در قانون مجازات اسلامی به عناوین مجرمانه توهین، نشر اکاذیب و هجو اشاره شده است، از منع بیان‌های تنفرآمیز سخنی به میان نیامده است.

قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی^۱

طبق این قانون، نشر هر نوع افکار مبتنی بر تبعیض براساس نژاد یا جنس و نفرت‌نژادی و تحریک به تبعیض، براساس نژاد یا جنس، از طریق یکی از وسایل تبلیغ عمومی، علیه هر گروه که از حیث نژاد، جنس و رنگ و قومیت متفاوت باشند و نیز هر نوع مساعدت، از جمله کمک مالی به فعالیت‌های تبعیض نژادی، ممنوع است و مرتکب، به حبس جنحه‌ای تا شش ماه به پرداخت جزای نقدی از ده هزار تا پنجاه هزار ریال محکوم خواهد شد، مگر اینکه عمل به موجب قوانین دیگر، مستوجب مجازات شدیدتری باشد که در اینصورت، مجازات اشد قابل اعمال باشد. طبق تبصره این ماده، منظور از وسایل تبلیغ عمومی، روزنامه و مجله است.

قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی^۲

مطابق ماده ۱۸ این قانون، احزاب، جبهه‌ها و ائتلاف‌های موضوع این قانون در انجام فعالیت‌های خود در چارچوب قوانین و مقررات آزادند، اما باید از اعمال خلاف قانون اساسی و نقض حقوق ملت، از جمله ایراد تهمت، افترا، شایعه‌پراکنی، آموزش و ترویج خشونت خودداری کنند. از سوی دیگر، طبق این قانون، نقض وحدت ملی و ارتکاب اعمالی چون طرح‌ریزی برای تجزیه کشور و تلاش برای ایجاد و تشدید اختلاف میان صفوف ملت با استفاده از زمینه‌های متنوع فرهنگی، مذهبی و نژادی موجود در جامعه ایران منع شده است. در نتیجه می‌توان گفت با توجه به این قانون، هر نوع عملی که منجر به بیان‌های تنفرآمیز شود، ممنوع است.

مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی

در بند (ب) ماده ۴ مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب شورای عالی انقلاب فرهنگی مصوب ۱۳۸۹ به ممنوعیت اخلال و تشکیک در وحدت ملی و تمامیت ارضی کشور، همچنین ایجاد آشوب، درگیری و اختلاف میان اقوام و مذاهب و غیره و در بند (ج) ماده ۴، به توهین و تمسخر زبان، فرهنگ و هویت اقوام و اقلیت‌های دینی و قومی، تحقیر و تمسخر اقشار مختلف جامعه و غیره اشاره شده است. از این رو، می‌توان گفت که چنین اعمالی به نوعی، اشاره به بیان‌های تنفرآمیز دارند.

۱. مصوب ۱۳۵۶/۰۴/۳۰ مجلس شورای ملی

۲. مصوب ۱۳۹۴/۱۱/۰۴ مجلس شورای اسلامی

بندهای ۷ و ۸ ماده ۳ مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه مصوب سال ۱۳۷۹، اجرای هر نمایشی را که اشاعه‌دهنده نژادپرستی و نفی برابری انسان‌ها و به‌خصوص تمسخر طوایف و اقوام ایرانی، هتک حرمت قشر یا صنفی از جامعه و نیز تضعیف وحدت ملی باشد، ممنوع اعلام می‌دارد. همچنین مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص مقررات و ضوابط شبکه‌های اطلاع‌رسانی رایانه‌ای ۱۳۸۰، محدودیت‌هایی برای کاربران، شرکت‌های فراهم‌کننده خدمات اینترنتی و شبکه‌های انتقال اطلاعات رایانه‌ای ایجاد کرده است. طبق جز ۶-۶ بند (ب) این مصوبه، تولید و عرضه مطالب مخل وحدت و وفاق ملی ممنوع است. لذا این مصوبه، به‌صورت ضمنی، به نتایج بیان‌های تنفرآمیز اشاره دارد.

درنهایت، مصوبه شورای عالی انقلاب فرهنگی در خصوص سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی و مواد سمعی و بصری خارجی مصوب ۱۳۸۴، در جز ۴-۴ بند (ب)، نمایش فیلم‌هایی را که هر نوع تبعیض نژادی را تبلیغ می‌کند؛ به‌ویژه آثاری که افراد غربی را برتر از سایر نژادها، ملیت‌ها و اقوام معرفی می‌کنند یا دخالت‌های آنان در مناطق دیگر جهان را محق جلوه می‌دهند، ممنوع اعلام کرده و مراجع ذیربط را موظف دانسته است که از توزیع و نمایش آنها اجتناب و جلوگیری کنند.

منشور حقوق شهروندی^۱

ماده ۹ این منشور اشعار می‌دارد، حیثیت و اعتبار شهروندان، مصون از تعرض است. هیچ شخص، مقام یا رسانه‌ای به‌ویژه آنهایی که از بودجه و امکانات عمومی استفاده می‌کنند نباید با رفتار یا بیان اهانت‌آمیز نظیر هجو و افترا، حتی از طریق نقل قول، به اعتبار و حیثیت دیگران لطمه وارد کنند. همچنین ماده ۱۰ بیان می‌دارد، توهین، تحقیر یا ایجاد تنفر نسبت به قومیت‌ها و پیروان ادیان و مذاهب و گروه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی، ممنوع است. ماده ۱۱ نیز مقرر می‌کند، هیچکس حق ندارد موجب شکل‌گیری تنفرهای قومی، مذهبی و سیاسی در ذهن کودکان شود یا خشونت نسبت به یک نژاد یا مذهب خاص را از طریق آموزش یا تربیت یا رسانه‌های جمعی در ذهن کودکان ایجاد کند.

بنابراین درمجموع، با مطالعه و مذاقه در قوانین ایران می‌توان اظهار داشت که متأسفانه با وجود تنوع فرهنگی، قومی و زبانی در ایران، به صراحت اشاره‌ای به منع بیان‌های تنفرآمیز صورت نگرفته است.

واکنش‌های صورت گرفته از سوی مالکان شرکت‌های شبکه‌های اجتماعی

با توجه به مطالب یادشده و با افزایش نگرانی‌ها درخصوص آثار گفتارهای تنفرآمیز برخط در جهان واقعی، سکوهای برخط ناچار شده‌اند که سازکارهایی را برای مبارزه با گفتارهای تنفرآمیز برخط دنبال کنند. این سازکارها به‌طور کلی، به دو صورت تعدیل محتوا^۱ و ضدگفتار^۲ تقسیم‌بندی می‌شوند که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود.

تعدیل محتوا

یکی از سازکارها برای مبارزه با گفتارهای تنفرآمیز برخط، تعدیل کردن محتوا است که شامل ممنوع کردن حساب‌های کاربری یا اجتماعی می‌شود که از شرایط استفاده از خدمات^۳ سکوها یا قواعد بیان شده تخطی می‌کنند (کیزلر و همکاران^۴، ۲۰۱۲: ۱۲۵). برای مثال، در آوریل ۲۰۱۸^۵، فیسبوک مجموعه‌ای ۲۵ صفحه‌ای از قواعدش را که محتوای مجاز در فیسبوک را تعیین می‌کند، اعلام کرد. بخش مرتبط با گفتارهای تنفرآمیز آن بیان می‌دارد: «ما اجازه گفتارهای تنفرآمیز را در فیسبوک نمی‌دهیم؛ چراکه این امر محیطی از ارباب و دفع دیگران را خلق می‌کند و در برخی موارد، خشونت جهان واقعی را اشاعه می‌دهد». (استانداردهای انجمن فیسبوک، ۲۰۱۸)

بنابراین می‌توان گفت، هدف از ممنوع کردن گفتارهای تنفرآمیز از سوی سکوهای برخط این است که کاربران روزمره اینترنت به‌طور اتفاقی، در معرض گفتارهای تنفرآمیز برخط قرار نگیرد. اما اطلاعات چندانی که نشان دهد این نوع ممنوعیت‌ها در عمل تا چه میزان مؤثر بوده‌اند در دست نیست. در توضیح می‌توان گفت که برای مثال، کاربران تنفرپراکن بعد از روبه‌رو شدن با محدودیت‌ها، سکوهای جایگزین دیگری را بر می‌گزینند و با خلاقیت بیشتری دست به عمل می‌زنند و برای فرار از کشف، از کلمات رمزی استفاده می‌کنند. علاوه بر این، اقدامات صورت گرفته برای ممنوع کردن حساب‌های کاربری در

1. Content Moderation

2. Counter-Speech

3. Terms of Service

4. Kiesler & et al

5. April

برخی موارد ممکن است نتیجه معکوس داشته باشد و منجر به حمایت بیشتر افراد نفرت‌پراکن از سوی طرفداران آنها شود. وقتی کاربران شناخته شده مورد حمله قرار می‌گیرند، افرادی که باورهای مشابه دارند، ممکن است انگیزه پیدا کنند تا به دفاع از آنان بشتابند. برای مثال، مطالعات تجربی رفتارهای افراط‌گرایانه برخط که حساب‌های طرفدار داعش^۱ را بررسی می‌کنند، نشان می‌دهند که افراط‌گرایان برخط، مسدود شدن حساب‌های کاربری‌شان را نوعی نشان افتخار می‌دانند و افرادی که مسدود یا ممنوع شده‌اند، در اغلب موارد قادرند حساب‌های کاربری خود را با اسامی جدیدی فعال‌سازی مجدد کنند. (ویدینو^۲ و هیوز^۳، ۲۰۱۵: ۲۱)

همچنین گزارش‌ها نشان می‌دهند که اقدامات صورت‌گرفته درخصوص تعدیل محتوا کارایی مناسبی نسبت به حکومت‌ها ندارد. برای مثال، فیسبک به نگرانی حکومت‌ها پاسخ داده و سعی کرده است با سانسور کردن فعالان و خبرنگاران برای گفتارهای تنفرآمیز یا آسیب‌زا در بسیاری از کشورها و قلمروهای تحت مناقشه، مانند سرزمین‌های فلسطینی، کشمیر و کریمه، خودش را از مسئولیت حقوقی کنار بکشد. این گزارش‌ها نشان می‌دهد که استانداردهای تعدیل محتوای گفتارهای تنفرآمیز فیسبک، «عموماً از نخبگان و حکومت‌ها در مقابل فعالان مردمی و اقلیت‌های نژادی حمایت می‌کند». به همین دلیل ممکن است حکومت‌ها گفتار منتقدان خود را گفتار افراط‌گرایانه یا تنفرآمیز اعلام کنند تا از تعدیل محتوا به‌منظور ساکت کردن منتقدانشان استفاده کنند. (لاوب^۴، ۲۰۱۹: ۱)

• ضد گفتار

باتوجه به اینکه سانسور گفتارهای تنفرآمیز می‌تواند با حمایت‌های حقوقی از آزادی بیان درتقابل قرار بگیرد یا به ابزاری برای سرکوب منتقدان حکومت‌ها تبدیل شود، سازمان‌های بین‌المللی مانند یونسکو معتقدند که جریان آزاد اطلاعات باید همیشه رعایت شود و در نتیجه، ضدگفتار را برای مقابله ترجیح می‌دهند. ضدگفتار درواقع پاسخ مستقیم به گفتار تنفرآمیز است و این سازکار، از طریق کنترل‌های رسانه‌ای سنتی مدتی است استفاده می‌شود. در این خصوص، مداخلاتی طراحی شده‌اند، مانند استفاده از درام‌هایی درباره

1. pro-ISIS
2. Vidino

3. Hughes
4. Laub

رخدادهای جاری در زندگی گروه‌هایی خاصی^۱ برای مقابله با تنش‌های بین گروهی در رواندا و استفاده از کمدی تلویزیونی در کنیا برای تضعیف گفتار تنفرآمیز تا جلوی تحریک به خشونت را بگیرند (پالوک^۲، ۲۰۰۹: ۵۸۰). در این زمینه، نتایج به‌دست آمده نشان می‌دهند که این مداخلات می‌توانند کاربران را برای شناسایی و مقاومت در مقابل تحریک به نفرت توانمندتر کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

با گسترش روزافزون استفاده افراد جامعه از رسانه‌های جمعی و فضای مجازی و با توجه به شرایط ذاتی و محیطی این بسترها، شاهد افزایش ترویج و اشاعه نفرت‌پراکنی و عقاید افراطی هستیم. با این حال، علیرغم افزایش این گفتارها و توجه بیشتر جوامع به آنها، تعریف مورد اتفاقی در این مورد در دست نیست و به همین سبب، کشف و مقابله با آن نیز سخت‌تر شده است؛ هر یک از کشورها به‌گونه‌ای متفاوت موضوع را تفسیر می‌کنند و در نتیجه، واکنش‌های مختلفی را در مقابله با آن شاهد هستیم. از سوی دیگر، ما در چارچوب نظام حقوق بین‌الملل بشر، کنوانسیون‌های بین‌المللی و منطقه‌ای متعددی داریم که تصویب و لازم‌الاجرا شده‌اند، اما نتوانسته‌اند از کارایی لازم برخوردار باشند؛ چراکه موضوع آنها کلی است و اشاره مستقیمی به این بیان‌ها نکرده‌اند و همچنین، این اسناد عام را نیز اغلب کشورها به‌درستی اجرا نمی‌کنند. برای مثال، کمیته حقوق بشر در نظر عمومی شماره ۱۱ درخصوص ماده ۲۰ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی طی گزارشی اعلام کرده است که در برخی از کشورها، چنین اعمالی نه به‌وسیله قانون ممنوع شده‌اند، نه تلاش می‌شود آنها را ممنوع کنند، همچنین بسیاری از کشورها از ارائه اطلاعات کافی درخصوص عملکرد و قوانین مربوط دولتی کوتاهی می‌کنند.

چنانکه در مقاله به تشریح اشاره شد، در نظام حقوقی ایران نیز با وجود تنوع فرهنگی، قومی و زبانی، این بیان‌ها به‌صورت صریح ممنوع نشده‌اند و منابع مدون و مشخصی در زمینه مبارزه با بیان‌های تنفرآمیز وجود ندارد؛ البته همچنان که گفته شد به‌صورت ضمنی، در قانون اساسی به‌ویژه اصل ۲۴؛ قانون مطبوعات به‌ویژه ماده ۶؛ قانون مجازات تبلیغ نژادی؛ مصوبات شورای عالی فرهنگی و غیره اشاره‌ای به این موضوع شده است. بنابراین در مجموع، با توجه

1. Soap Operas.

2. Paluck.

به اینکه بیان تنفرآمیز در قوانین ایران به صراحت ممنوع نشده است، متأسفانه به شکل مطلوبی با این امر مقابله نمی‌شود و رویه قضایی منسجمی در کشور وجود ندارد. به عبارت دیگر به‌طور دقیق مشخص نیست که در صورت مواجهه با بیان‌های تنفرآمیز، براساس چه قانون و رویه‌ای باید با آن مقابله کرد. علاوه بر این، فضای مجازی به دلیل ماهیت جهانی، غیرمتمرکز و بدون مرزی که دارد، با نشر گفتارهای تنفرآمیز برخط می‌تواند منجر به افسردگی، انزوای سیاسی و آسیب‌زایی برای روابط گروهی در سطح اجتماعی و غیره شود، همچنین زمانی که برای نمونه، وبسایت یا حساب کاربری اشخاص مسدود یا ممنوع می‌شود، بار دیگر به دلیل گستردگی کاربران و ناشناس بودن آنان، امکان حضورشان در این فضا به گونه‌ای دیگر ممکن است و به این ترتیب، گفتارهای تنفرآمیز، افزایش روزافزونی خواهند داشت. از این رو در ادامه، پیشنهادهایی برای مقابله با بیان‌های تنفرآمیز در ایران ارائه خواهد شد.

راهکارهای پیشنهادی برای مبارزه با بیان‌های تنفرآمیز در ایران

در صورتی که محدودیتی برای آزادی بیان پیش‌بینی نشود، افراد و گروه‌ها می‌توانند با تحریک و ترغیب طرفداران خود به اقدامات خشونت بار بر ضد دیگران، آنان را از هرگونه حق اظهار نظر منع کنند. آزادی بیان، محیط سالم، تعامل اجتماعی و تکثر سیاسی، در گرو نبود فضای خشونت بار در برابر اظهار نظرهای دیگران است (حکمت‌نیا، ۱۳۹۹: ۳۴۷). از این رو، با توجه به تعاریف ارائه‌شده، اشاعه گفتارهای تنفرآمیز، جرم «نفرت محور»^۱ است. جرم نفرت‌پراکنی در فضای مجازی با رواج بی‌تفاوتی و بی‌مسئولیتی اجتماعی، به ریشه‌دار شدن نابرابری و تبعیض می‌انجامد و موجب می‌شود که خشونت به ساده‌ترین شکل از طریق اینترنت اشاعه پیدا کند. بنابراین برای جلوگیری از این امر، نیازمند تدوین قوانین منسجم و دقیق‌تر، توجه بیشتر به سازمان‌های مردم نهاد و آموزش سواد رسانه‌ای هستیم که در ادامه به‌طور اجمالی به آن پرداخته می‌شود.

1. Hate Crime.

• تدوین قوانین

با وجود رواج این جرم در فضای مجازی، کمتر از سوی قانونگذاران و تنظیم‌کنندگان روابط اجتماعی به آن توجه شده است. امروزه با گسترش روزافزون استفاده از رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، دولت‌ها بیش از پیش با معضل بیان‌های تنفرآمیز برخط روبه‌رو هستند و باید از ابزارهای قاطع‌تری در مقایسه با جریمه‌های صرف مالی بهره‌مند شوند. چنانکه اشاره شد، یکی از معضلات نظام حقوقی ایران، نبود قانونی خاص در این زمینه است که به‌صورت صریح به موضوع بپردازد. از این‌رو، یکی از شیوه‌های مقابله، تدوین قانونی منسجم است که به تعریف دقیق عناصر و ویژگی‌های چنین بیان‌هایی بپردازد و امنیت و سلامت کاربران را فراهم آورد. البته باید توجه داشت که ضمن جرم‌انگاری صریح و مقابله با این بیان‌ها، فضاهای باز برخط نیز باید حفظ شوند تا کاربران بتوانند به آسانی و بدون محدودیت‌های بی‌مورد، از آنها استفاده کنند.

• سازمان‌های مردم نهاد

ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری جمهوری اسلامی ایران^۱ به صراحت به این سازمان‌ها اشاره کرده و با شرایطی به آنها اجازه اعلام جرم داده است. همچنین در این زمینه باید به مصوبه سال ۱۳۹۵ هیئت دولت مبنی بر تدوین آیین‌نامه تشکل‌های مردم نهاد نیز توجه داشت.^۲ این تشکل‌ها می‌توانند ضمن رعایت حریم خصوصی افراد، در اعلام بسیاری از گفتارهای تنفرآمیز در فضاهای برخط مثرتر باشند و اقدامات حمایتی در پیش بگیرند. علاوه بر این، این تشکل‌ها با ایجاد پویش‌های مجازی مقابله با گفتارهای تنفرآمیز می‌توانند به مقابله با آنها بپردازند.

بنابراین، بهتر است فعالیت این سازمان‌ها به شکل صحیحی هدفمند شود تا در مقابله با این بیان‌ها کمک کننده باشد. در این زمینه، یکی از پیشنهادها این است که (مطابق پیشنهاد قبلی در خصوص تدوین قانون) در قانونی که تدوین می‌شود، به نقش و چگونگی عمل این سازمان‌ها اشاره شود.

۱. ماده ۶۶ قانون آیین دادرسی کیفری (اصلاحی ۱۳۹۴/۰۳/۲۴): سازمان‌های مردم نهادی که اساسنامه آنها در زمینه حمایت از اطفال و نوجوانان، زنان، اشخاص بیمار و دارای ناتوانی جسمی یا ذهنی، محیط زیست، منابع طبیعی، میراث فرهنگی، بهداشت عمومی و حمایت از حقوق شهروندی است، می‌توانند نسبت به جرائم ارتكایی در زمینه‌های فوق اعلام جرم کنند و در تمام مراحل دادرسی شرکت کنند.

۲. هیأت وزیران در جلسه‌های ۱۳۹۴/۱۲/۰۲، ۱۳۹۵/۰۱/۱۱ و ۱۳۹۵/۰۵/۲۷ به پیشنهاد شماره ۱۰۴۲۲۰ مورخ ۱۳۹۳/۰۸/۲۵ وزارت کشور و به استناد اصل یکصد و سی و هشتم قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران، آیین‌نامه تشکل‌های مردم نهاد را تصویب کرد.

• آموزش سواد رسانه‌ای

یکی از شیوه‌های مهم یا شاید مهمترین شیوه برای مقابله با عقاید افراطی و گفتارهای تنفرآمیز در شبکه‌های اجتماعی، آموزش سواد رسانه‌ای است؛ چراکه به‌طور مستقیم از سوی خود کاربران قابل اعمال است. سواد رسانه‌ای، قدرت درک نحوه کار رسانه‌ها و معنی‌سازی در آنهاست، اینکه چگونه سازماندهی می‌شوند و چگونه از آنها استفاده می‌کنند (قاسم‌پور، ۱۴۰۰: ۳۳). از این‌رو کاربرانی که دارای سواد رسانه‌ای هستند، با آگاهی کامل از رسانه‌ها استفاده می‌کنند و از پیامدهای احتمالی که ممکن است با آنها روبه‌رو شوند، آگاه هستند. همچنین شایان ذکر است که اگرچه منع یا محدود کردن بیان‌های تنفرآمیز می‌تواند به‌عنوان یک راه حل کوتاه مدت مورد استفاده قرار گیرد، یافتن دلایل ریشه‌ای این معضل و آموزش مردم در دراز مدت، بی‌تردید در مبارزه با بیان‌های تنفرآمیز، مؤثرتر خواهد بود.

به این ترتیب، امروزه با توجه به گسترش روزافزون فضای مجازی لازم است افراد از آگاهی کافی برای استفاده از این فضاها بهره‌مند باشند تا در بمباران هوشمند اطلاعاتی که با آن مواجه هستند، به طبقه‌بندی آنها بپردازند و به‌طور مناسب از بسترهای فراهم شده استفاده کنند. به عبارت دیگر، لازم است با افزایش سواد رسانه‌ای و آموزش چگونگی استفاده صحیح از فضای مجازی، کاربران آماده حضور در این بسترها شوند و ضمن برخورداری از آمادگی مواجهه با گفتارهای تنفرآمیز و افراطی به مقابله با آنها بپردازند و آسیب کمتری ببینند.^۱

۱. برای مطالعه بیشتر درخصوص آموزش سواد رسانه‌ای و تکالیف قانونی دولت مراجعه کنید به: شهریور، محمدحمید، رحمانی، قدرت‌الله، و بیگلربیگی، کیان. (۱۴۰۱). حق مخاطب، بهره‌مندی از اطلاعات صحیح و مقابله با اخبار جعلی، پژوهش‌های ارتباطی، ۳ (۱۱۱)، ۷۹-۱۰۷.

منابع

- تیمورسلماسی، الهام. (۱۳۹۴). ممنوعیت بیان‌های تنفرآمیز در رسانه‌ها در محدوده مصوبات شورای اروپا و قوانین ایران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق ارتباطات، دانشگاه علامه طباطبائی.
- جان‌نثاری، دامون. (۱۳۹۱). ممنوعیت بیان‌های تنفرآمیز در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر. پایان‌نامه کارشناسی ارشد حقوق بشر، دانشگاه شهید بهشتی.
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۳۱). قانون مطبوعات. بازیابی از:
<https://qavanin.ir>
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۶). قانون مجازات تبلیغ تبعیض نژادی. بازیابی از:
<https://rc.majlis.ir>
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۵۸). قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران. بازیابی از:
<https://www.shora-gc.ir>
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۶۴). قانون مطبوعات. بازیابی از:
<https://rc.majlis.ir>
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۲). قانون آیین دادرسی کیفری. بازیابی از:
<https://dotic.ir>
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۵). قانون نحوه فعالیت احزاب و گروه‌های سیاسی. بازیابی از:
<https://rc.majlis.ir>
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۵). مصوبه آیین‌نامه تشکل‌های مردم‌نهاد. بازیابی از:
<https://qavanin.ir>
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۵). منشور حقوق شهروندی. بازیابی از:
<https://president.ir>
- جمهوری اسلامی ایران. (۱۳۹۹). قانون مجازات اسلامی (الحاقی ۱۳۹۹). بازیابی از:
<https://rc.majlis.ir>
- حکمت‌نیا، محمود. (۱۳۹۹). آزاداندیشی و آزادی بیان، چاپ دوم، تهران: سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- سودمندی، عبدالمجید، و مستقیمی‌قمی، بهرام. (۱۳۹۰). سخنان نفرت‌زا در نظام بین‌المللی حقوق بشر، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، سال پانزدهم، ۲ (۷۲)، ۴۲-۲۱.

- سیگل، الکسانرا. (۱۴۰۰). گفتار تنفرآمیز آنلاین (گزارش شماره ۶۳). مترجم علیرضا کاظمی، تهران: پژوهشگاه فضای مجازی.
- شهریور، محمدحمید، رحمانی، قدرت‌الله و بیگلربیگی، کیان. (۱۴۰۱). حق مخاطب، بهره‌مندی از اطلاعات صحیح و مقابله با اخبار جعلی، پژوهش‌های ارتباطی، ۳ (۱۱۱)، ۷۹-۱۰۷.
- <https://doi.org/10.22082/cr.2022.555730.2368>
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۷۹). ضوابط نظارت بر نمایش و صدور پروانه نمایش آثار سینمایی. بازیابی از:
- <https://rc.majlis.ir>
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۴). سیاست‌های توزیع و نمایش فیلم‌های سینمایی و مواد سمعی و بصری خارجی. بازیابی شده از:
- <https://rc.majlis.ir>
- شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۸۹). مصوبه اصلاحی اهداف، سیاست‌ها و ضوابط نشر کتاب. بازیابی از:
- <https://rc.majlis.ir>
- طباطبایی مؤتمنی، منوچهر. (۱۳۸۸). آزادی‌های عمومی و حقوق بشر، چاپ سوم، تهران: دانشگاه تهران.
- قاسم‌پور، محمدمهدی (۱۴۰۰). شبکه‌های اجتماعی و نفرت پراکنی (گزارش سریع شماره ۳۸)، تهران: پژوهشگاه فضای مجازی.

Benesch, S. (2023). Dangerous speech. In C. Strippel, S. Paasch-Colberg, M. Emmer, & J. Trebbe (Eds.), Challenges and perspectives of hate speech research, Digital Communication Research, 185–197.

<https://doi.org/10.48541/dcr.v12.11>

Bychawska-Siniarska, D. (2017). Protecting the right to freedom of expression under the european convention on human rights, Council of Europe.

Cohen-Almago, R. (2011). Fighting hate and bigotry on the internet, *Policy & Internet*, 3 (3), 1-26.

<https://dx.doi.org/10.2202/1944-2866.1059>

Cohen-Almago, R. (2018). When a ritual murder occurred at purim: The harm in hate speech. *El Profesional de la Informacion*, 27 (3), 671–681.

<https://doi.org/10.3145/epi.2018.may.20>

Committee of Ministers of the Council of Europe. (1997). Recommendation No. R (97) 20 on "hate speech". Council of Europe. Retrieved from <https://www.coe.int>.

Council of Europe. (1950). European Convention on Human Rights. Retrieved from <https://www.echr.coe.int>.

Council of Europe. (2007). Freedom of expression in Europe: Case-law concerning Article 10 of the European Convention on Human Rights, Council of Europe Publishing.

Criminal Code of Canada. (1985). Criminal Code of Canada. Government of Canada. Retrieved from <https://laws-lois.justice.gc.ca>

Criminal Code of Denmark. (2009). Criminal Code of Denmark. Retrieved from <https://antislaverylaw.ac.uk>.

Criminal Code of the Russian Federation. (1996). Criminal Code of the Russian Federation. Retrieved from <https://www.wipo.int>.

Criminal Law of the Netherlands. (1881). Criminal Law of the Netherlands. Retrieved from <https://antislaverylaw.ac.uk>.

Criminal Law of the People's Republic of China. (1997). Criminal Law of the People's Republic of China. Retrieved from <https://www.warnathgroup.com>.

Duarte, N., Llanso, E., & Loup, A. (2018). Mixed messages? The limits of automated social media content analysis. In Proceedings of the 1st Conference on Fairness, Accountability and Transparency, PMLR, 81, 106.

European Commission against Racism and Intolerance (ECRI). (2015). General Policy Recommendation No. 15 on combating hate speech. Council of Europe. Retrieved from <https://www.coe.int>.

European Court of Human Rights. (1976). Handyside v. United Kingdom, Application No. 5493/72, Judgment of 7 December 1976. Retrieved from <https://hudoc.echr.coe.int/eng>.

European Court of Human Rights. (2006). Erbakan v. Turkey, Application No. 59405/00, Judgment of 6 July 2006. Retrieved from <https://hudoc.echr.coe.int/eng>.

Facebook. (2018). Facebook community standards. Retrieved from <https://www.facebook.com/communitystandards>.

Fyfe, S. (2017). Tracking hate speech acts as incitement to genocide in international criminal law, *Leiden Journal of international Law*, 30(2), 523-548. <https://doi.org/10.1017/S0922156516000753>

International Law Commission. (2001). Draft articles on responsibility of states for internationally wrongful acts, with commentaries. United Nations. Retrieved from <https://legal.un.org>.

Kiesler, S., Kraut, R., Resnick, P., & Kittur, A. (2012). Regulating behavior in online communities. In R. E. Kraut & P. Resnick (Eds.), *Building Successful Online Communities: Evidence-Based Social Design*. Cambridge, MA: MIT Press, 125-177.

Laub, Z. (2019). Hate speech on social media: Global comparisons. Council on Foreign Relations Background. Retrieved from <https://www.cfr.org>.

Medel, T. (2010). Hate speech rules under international law. *Halifax: Centre for Law and Democracy*, 1-10.

Mendel, T. (2008). Equality and freedom of expression: An accommodative framework, ARTICLE 19.

Office of the United Nations High Commissioner for Human Rights (OHCHR). (1983). CCPR General Comment No. 11: Article 20 - Prohibition of propaganda for war and inciting national, racial or religious hatred. Retrieved from <https://www.ohchr.org>.

Orentlicher, D. F. (2005). Criminalizing Hate Speech in the Crucible of Trial: *Prosecutor v. Nahimana*. *American University International Law Review*, 21 (4), 557-596.

Organisation of Islamic Cooperation. (1990). The Cairo Declaration on Human Rights in Islam. Retrieved from <https://elearning.icrc.org>.

Organization of American States. (1969). American Convention on Human Rights. Retrieved from <https://www.oas.org>.

Paluck, E. L. (2009). "Reducing intergroup prejudice and conflict using the media: A field experiment in Rwanda", *Journal of Personality and Social Psychology*, 96 (3), 574-587.
<https://doi.org/10.1037/a0011989>

Smolla, R. A. (1991). Exercises in the regulation of hate speech, *William & Mary Law Review*, 32 (2), 207-210.

Smolla, R. A. (1993). *Free speech in an open society*, Knopf Doubleday Publishing Group.

Titley, G. (2012). Hate speech online: Consideration for the proposed campaign, Printed at Council of Europe.

Twitter. (2018). The Twitter rules. Retrieved from <https://help.twitter.com/en/rules-and-policies/twitter-rules>.

United Nations. (1948). Convention on the Prevention and Punishment of the Crime of Genocide. Retrieved from <https://legal.un.org>.

United Nations. (1948). Universal Declaration of Human Rights. Retrieved from <https://www.un.org>.

United Nations. (1965). International Convention on the Elimination of All Forms of Racial Discrimination. Retrieved from <https://legal.un.org>.

United Nations. (1966). International Covenant on Civil and Political Rights. Retrieved from <https://treaties.un.org>.

United Nations. (1969). Vienna Convention on the Law of Treaties. Retrieved from <https://legal.un.org>.

United Nations. (1981). Declaration on the Elimination of All Forms of Intolerance and of Discrimination Based on Religion or Belief. Retrieved from <https://legal.un.org>.

United Nations. (n.d.). What is hate speech? Retrieved from <https://www.un.org>

Vidino, L., & Hughes, S. (2015). ISIS in America: From Retweets to Raqqa. Program on Extremism, George Washington University report.

Waldron, J. (2012). The harm in hate speech. Harvard University Press.

Walker, S. (1994). Hate Speech: The History of an American Controversy, University of Nebraska Press.

YouTube. (2018). YouTube community guidelines. Retrieved from <https://www.youtube.com/howyoutubeworks/policies/community-guidelines/>